

## نقش قابلیت پیش بینی صدمه در رابطه علیت در حقوق کیفری ایران و انگلستان

سید یزدان‌الله طاهری نسب\*

### چکیده

یکی از مهم‌ترین عناصر احراز رابطه علیت کیفری عنصر قابلیت پیش‌بینی صدمه است. مراد از این عنصر امکان واقعی درک خطر نهفته در افعال زیانبار می‌باشد. هدف ما در این مقاله ارائه و تبیین مواضع نظام های کیفری ایران و انگلستان در باب جایگاه پیش‌بینی پذیری در حل و فصل دعاوی مشتمل بر علیت می‌باشد. لازم به ذکر است که ممکن است به فراخور بحث اشاراتی به سایر مسائل علیت کیفری داشته باشیم ولی محور اصلی این مقاله همان نقش قابلیت پیش‌بینی در شناسایی علت قانونی است. هدف این مقاله پاسخ به سؤالاتی از این قبیل است که؛ در فرض توالی و تسلسل علل، آیا شخص نسبت به زیان‌های ناشی از تبعات متوالی رفتار خود، مسئولیت دارد؟ قابلیت پیش‌بینی در مجادلات علیتی چیست و معیار بررسی آن چه می‌باشد؟ آیا اگر صدمه مستقیم نبوده ولی قابل پیش‌بینی باشد مسئولیت کیفری بر عهده متهم استقرار می‌یابد؟ آیا اگر صدمه قابل پیش بینی ولی پیش بینی نشده باشد، موجب مسئولیت متهم است؟ و آیا نهایتاً اگر صدمه عرفاً غیر قابل پیش‌بینی اما توسط متهم پیش بینی شده باشد همواره موجب مسئولیت است؟

### کلید واژگان

قابلیت پیش‌بینی - علیت قانونی - صدمه مستقیم - صدمه غیر مستقیم - علت مداخله‌گر مستقل - علت مداخله‌گر وابسته.

---

\* دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی

## مقدمه

« قابلیت پیش بینی نتیجه موضوعی است که در سنجش مسئولیت علیتی و تحلیل های علیت مجاور (قانونی) دارای اهمیتی قابل توجه است».<sup>۱</sup> مراد از علت قانونی عضوی از مجموعه شروط ضروری مقدم بر صدمه جزایی است که براساس معیارهای حقوق کیفری استحقاق تحمیل مسئولیت کیفری را داشته باشد. در واقع «علت قانونی متکی به ملاحظات مصلحت گرایانه و اخلاقی است»<sup>۲</sup>، و بیش از آنکه بر راهکارهای علمی و واقعی کشف علل اتکاء کند، متکی به اصولی است که جنبه غیر علیتی داشته، محصول عرف و عادت بشری بوده و به بیان دیگر خاستگاه عرفی و اجتماعی دارند. یکی از این اصول « اصل عدم ضمان نسبت به ضرر پیش بینی نشده است»<sup>۳</sup>.

فحوا و منطق این اصل این است که « در دید عرف آنچه بر حسب سیر طبیعی و متعارف امور از خطای شخص به بار می آید منسوب به اوست ولی آنچه را که حوادث نامنتظر یا شرایط ویژه ای [هستند] که شخص از آنها آگاه نیست، عرف ناشی از فعل مرتکب نمی داند، به بیان دیگر رابطه علیت بین فعل شخص و ضرری که به گونه ای دور از انتظار وارد شده است وجود ندارد».<sup>۴</sup>

به عبارت دیگر « هرگاه نتایج رفتار متهم قابل پیش بینی بوده باشند، اصولاً او نسبت به آنها مسئولیت دارد».<sup>۵</sup> به علاوه هرگاه متهم تحقق نتیجه ای را قصد کرده باشد هر چند آن نتیجه با

1. Joshua Dressler, *Understanding Criminal Law*, 4ed, Lexis Nexis, U.S.A.2006. p.204

2. David Ozonoff, *Legal Causation and Responsibility for Causing Harm*, in; American Journal of Public Health, vol.95,no.s1,2005,p.35

۳- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی الزام های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد دوم از دوره دو جلدی، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۸، ص ۳۰۰.

۴- همان منبع، ص. ۲۹۸.

5. David Ozonoff, op.cit., p.36.

وساطت علل بعدی رخ دهد بر اساس این قاعده که «نتایج قصد شده هرگز خیلی دور نیستند»<sup>۶</sup> حتی در فرض عدم امکان پیش‌بینی زیان، مسئولیت خواهد داشت.

بحث حاضر مقوله‌ای کاملاً عینی و مربوط به امکان پیش‌بینی نتیجه در لابه‌لای وقایع بیرونی و عینیت‌یافته است که بیشتر به عنصر مادی جرم (به‌ویژه جرایم مقید) ارتباط پیدا می‌کند. بر اساس یک اصل کلی در قلمرو مسئولیت قانونی اعم از کیفری و مدنی که مأخذ عرفی دارد، مسئولیت تنها نسبت به خسارت بی واسطه و مستقیم مستقر می‌شود. این موضوع ناشی از علاقه‌ای است که نظام‌های کیفری ایرانی و انگلیسی به‌شناسایی علت مجاور یا نزدیک به‌عنوان علت مسئول دارند. آنچه که در این راستا نقش اساسی دارد، امکان پیش‌بینی صدمه است. «غالباً حقوق دانان در ارتباط با سؤالات راجع به مسئولیت نقش قابل توجهی به پیش‌بینی‌پذیری وقوع صدمه می‌دهند و حتی خارج از قلمرو حقوق و در عرف نیز، این واقعیت که آیا صدمه قابل پیش بینی بوده یا نه عامل مهمی در مقصر و یا معذور شناختن متهمین قلمداد می‌گردد».<sup>۷</sup>

معمولاً عرف ضررهای دور را هرچند که قابل پیش‌بینی باشند، قابل جبران و موجب مسئولیت نمی‌داند. مثلاً اگر کسی پای دیگری را بشکند و مصدوم چند سال بعد در حالی که از کوه بالا می‌رود به دلیل شکستگی سابق پای خود تعادلش را از دست داده و سقوط کند و نهایتاً بمیرد، عرف شکننده پا را فقط مسئول صدمه مستقیم دانسته و اگر چه در قضاوت‌های عرفی ممکن است بعضاً<sup>۸</sup> وی را علت وقوع مرگ بشناسد، اما بعد زمان و تسلسل علل موجب می‌گردد که عقل سلیم و بی‌طرف جمعی، ضرر بعید (مرگ) را به متهم قابل انتساب نداند.

6. Andrew Ashworth, *Principles of Criminal Law*, 2Ed, oxford University Press, 1992, PP.100-101: "Intended consequences are never too remote". For more study see: H.L.A. Hart, & Tony, Honore, *Causation in The Law*, 2ed, Oxford University Press, reprinted, 2002, PP.170-176.

7 - Hart and Honore, op.cit., p.254.

۸- منظور اقارب و بستگان متوفی هستند. قبلاً نیز گفتیم که در قضاوت‌های علی متعارف، احساسات، منافع، اغراض، عواطف، کینه‌ها و مصالح، نقش بارزی ایفا می‌کنند. دلیل آن هم چیزی جز نسبیت قضاوت‌های علیتی در عرف در این کار نیست و به علاوه هم اینکه عرف تابع قواعد فلسفی نمی‌باشد.

فرانسیس بیکن<sup>۹</sup> فیلسوف مشهور انگلیسی ضمن انتقاد از نظریه برابری اسباب و لزوم قناعت و تحمیل مسئولیت بر آخرین سبب، در قلمرو حقوق عقیده داشت: « برای علم حقوق قضاوت درباره تمام علت و معلول ها و اثر هریک بر دیگری وظیفه‌ای پایان‌ناپذیر است و به همین جهت به علت مستقیم و بی‌واسطه اکتفا می‌کند».<sup>۱۰</sup> نظریه بیکن در قلمرو نظام حقوقی انگلیس تحت پوشش نظریه "علت نزدیک" و به عبارتی دیگر علتی که «آخرین امکان احتراز از خطر را داشته» قوام یافته است.<sup>۱۱</sup>

هم در عرف و هم در رویه قضایی ایران، همانند نظام کیفری انگلستان، اصل کلی آن است که هر شخص مسئول صدمات مستقیم اعمال خود می‌باشد. البته نباید این طور تعبیر شود که هیچ‌گاه انسان نسبت به صدمات و پیامدهای غیر مستقیم و مع‌الواسطه اعمال خود مسئول نمی‌باشد. همچنین نباید تصور شود که انسان همواره نسبت به تبعات و نتایج مستقیم اعمالش مسئول است. در ضمن در این مجال نمی‌خواهیم به بررسی نتایج غیر مستقیم بپردازیم و تلاش ما عمدتاً معطوف به شناسایی نقش پیش‌بینی‌پذیری صدمه در صدمات مستقیم و غیر مستقیم در قضاوت‌های علیتی کیفری است.

از دید نگارنده دو دلیل بر مسئولیت علت بی‌واسطه قابل ذکر است: اولاً؛ تا قبل از فراهم شدن آن وقوع پیامد مجرمانه حتمی نیست. به بیان دیگر بر مبنای احتساب شرایط و اوضاع و احوال واقعی، ضرورت علی و معلولی زمانی حاصل می‌گردد که علت بی‌واسطه حادث شود. ثانیاً؛ معمولاً صدمات غیر مستقیم هرچند قابل پیش‌بینی باشند معمولاً قابل پیشگیری نیستند. مثلاً سارق می‌داند در صورت سرقت از یک شرکت بازرگانی، اعتبار آن در عرف تجاری مخدوش می‌شود و یا

۹- فرانسیس بیکن فیلسوف انگلیسی متولد ۱۵۶۱ و متوفی به سال ۱۶۲۰ میلادی است. وی از خانواده‌ای محترم بود، در جوانی تحصیل علم کرد و بعدها به عضویت مجلس ملی انگلستان رسید، سپس وارد مجلس اعیان شد. اگر چه از نظر رعایت اخلاق و پرهیزکاری چندان زندگی مطلوب و پسندیده‌ای نداشت، اما از مشاهیر تاریخ علم است. روش پیشنهادی او در گسترش علم، اجمالاً عبارت است از مشاهده و تجربه در امور طبیعت که به وسیله آن جمع آوری اطلاعات شود و سپس استقراء نتایج از دل آن مشاهدات اولیه. برای اطلاع بیشتر ببینید محمد علی فروغی، **سیر حکمت در اروپا**، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۳، ص.ص ۱۲۳ تا ۱۳۵.

۱۰- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۴۶۷.

۱۱- برای مطالعه تفصیلی درباره (the last clear chance) ببینید: همان منبع ص. ۴۷۸ به بعد و؛ Hart and Honore ,op.cit.,pp.219-225

ضارب صدمه جسمانی، آثار معلولیت و سختی زندگی قربانی را درطول زندگی از قبیل محدودیتهای شغلی، ازدواج، تحصیل هرچند پیش‌بینی کند، اما نمی‌تواند از آن‌ها پیشگیری نماید. ثالثاً؛ گاهی بعد از رفتار منتسب به متهم "علت مداخله‌گر جدیدی"<sup>۱۲</sup> دخالت نموده و معادلات علی پیشین میان عمل متهم نخست را با معلول برهم می‌زند. معمولاً اگر چنین علتی غیر معمول، عمدی و مستقل باشد و شرط ضروری پیدایش زیان باشد و متهم اولیه بر آن سلطه و کنترلی نداشته باشد مانع تکوین رابطه علیت میان عمل متهم اصلی با نتیجه می‌گردد.<sup>۱۳</sup>

### بخش اول: قابلیت پیش‌بینی صدمات مستقیم و غیر مستقیم<sup>۱۴</sup>

معمولاً "صدمات مستقیم" قابل پیش‌بینی هستند. مراد از "صدمه مستقیم"،<sup>۱۵</sup> نتیجه زیانباری است که بلافاصله و بلاواسطه پس از انجام فعل متهم رخ داده و به بیان دیگر هیچ گونه حاجب علی حقیقی میان آن با فعل متهم وساطت نکرده و از طرف تراخی عرفی قابل توجهی بین آن و عملکرد متهم نبوده است. ولی "صدمه غیر مستقیم"<sup>۱۶</sup>، آن است که اگرچه اگر فعل متهم نبود در زمان و مکانی و به کیفیتی که رخ داد، واقع نمی‌شد ولی یک حاجب و حائل علی مانند عملکرد ثالث، عملکرد خود قربانی، حادثه‌ای طبیعی و یا حیوانی بین آن با رفتار متهم

#### 12. new intervening cause .

۱۳- ماده ۲۱۶ قانون مجازات اسلامی ایران، علت انسانی مداخله‌گر جدیدی را که پس از مبادرت شخص دیگری به صدور رفتار کشنده و اصابت آن بر مقتول، حادث شده و موجب تحقق مرگ او می‌گردد، مانع قوام زنجیره علیت حساب و مسئولیت نسبت به قتل را تنها بر عهده علت مداخله‌گر جدید گذاشته است. این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه کسی جراحتی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحات سابق به تنهایی موجب مرگ می‌گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحتی است که وارد کرده ...»

۱۴- ضروری است خاطرنشان شود برخی از مباحثی که در این قسمت مطرح خواهند شد، ارتباط نزدیک با موضوع اجتماع علل مؤثر در وقوع صدمه خواهد داشت، بنابراین اگرچه از این جهت ممکن است نقاط مشترکی میان این موضوع با مباحث این مقاله وجود داشته باشد اما آنچه منظور ما را از طرح مقوله اهمیت قابلیت پیش‌بینی در مجادلات علیتی تشکیل می‌دهد، صرفاً "واکاوی جایگاه پیش بینی پذیری صدمه در قضاوت های رایج در مقوله علیت کیفری است.

#### 15. direct damage

16. Indirect or consequential damage: losses that do not flow directly and immediately from an injurious act but that result indirectly from the act. Bryan A. Garner, *Black's Law Dictionary*, 8ed, Thomson Business, U.S.A. 2004, p.416 .

دخالت مؤثر علیتی کرده و همین توالی علی علاوه بر ایجاد انفصال زمانی، قضاوت نهایی را درباره اینکه آیا عملکرد متهم علت آن زیان است یا نه، با تردید و ابهام مواجه می‌کند.

می‌دانیم که آخرین جزء ضروری‌کننده از مجموع شرایط ضروری برای پیدایش زیان علت نامیده می‌شود، در حقوق ایران از این جزء به عنوان علت یا علت تامه و در انگلستان تحت عنوان علت مجاور تعبیر می‌شود. صدمه مستقیم معلول چنین علتی ولی صدمه غیر مستقیم معلول سبب دور است. بر این اساس تعریف صدمه مستقیم ارتباط و تعامل نزدیکی با تعریف علت نزدیک دارد. البته لازم به ذکر است که علت مستقیم همواره آخرین علت متصل به معلول (صدمه) نیست، بلکه آخرین علتی است که در داوری عرف برای سطوح متعارف انسان‌ها قابل کشف باشد. چون مردم عامه قادر به کاوش دقیق و کشف زنجیره علی علمی فی مابین علت با معلول نمی‌باشند و معمولاً این عوامل و علل واسطه از آنجا که مجبور به جبر علی بوده و از تبعات محتوم علت شناخته‌شده توسط عرف هستند، لذا عرف بیدرنگ نزدیک‌ترین علت به معلول را بر حسب تشخیص خود به عنوان علت آن ذکر می‌کند. با این وجود متخصصین و خواص از آن زنجیره علی میان علت مستقیم عرفی و معلول غافل نشده و در تجزیه و تحلیل‌های علمی آن را به دقت تحت نظر می‌گیرند.

در واقع عامه همان آخرین علتی را که خود، به فهم عرفی‌شان نزدیک‌ترین علت به صدمه می‌دانند، علت مستقیم آن اعلام می‌کنند. مثلاً اگر شخصی از بخاری منزلش گاز منوکسید کربن استنشاق کند و بمیرد، فرایند علی زیر که بر عوام‌الناس پنهان است موجب مرگ می‌گردد. «از آنجا که میل ترکیبی هموگلوبین با منوکسید کربن از اکسیژن بیشتر است، به همین دلیل به جای آنکه اکسیژن با هموگلوبین ترکیب شود، مونوکسید کربن فضا و ظرفیت هموگلوبین را تکمیل کرده، اکسیژن به بدن نمی‌رسد و فرد می‌میرد.»<sup>۱۷</sup> در این مثال عرف به این زنجیره فنی علل اعتنایی نکرده و استنشاق گاز را به عنوان علت مرگ اعلام می‌کند و همچنین اگر کسی آتش به مزرعه دیگری بزند، شعله اولیه فقط بخش کوچکی از مزرعه را می‌سوزاند و پس از آن به دلیل مجاورت خوشه‌های خشکیده غله به آن آتش ابتدایی، و احیاناً وزش نسیمی

17. <http://www.wikipedia.org>.

ملایم، به تدریج سایر قسمت‌های مزرعه در کام آتش فرومی‌رود. عرف بدون درنگ همان شعله اولیه را علت مستقیم آتش‌سوزی می‌داند. اما به فرض آنکه در لابه لای این مزرعه سوخته سگی خوابیده بود و موهای بدنش در اثر آتش بسوزد و فرار کند و به مزرعه‌ای دیگر که چند صد متر دورتر است وارد شود و آتش موجود در موهایش مزرعه اخیر را بسوزاند، دیگر این صدمه اخیر معلول مستقیم عمل متهم نیست و نتیجه‌ای غیر مستقیم می‌باشد.

در ابتدای بحث گفتیم که معمولاً صدمات مستقیم قابل پیش‌بینی هستند. دلیل آن عادات و تجارب بشری است که ایجاد کننده علم عرفی به اصول علیت است. انسان‌ها به تجربه روابط علیتی ضروری میان اشیاء را درک کرده و آموخته‌اند؛ مثلاً می‌دانند آتش می‌سوزاند، سم می‌کشد، بمب تخریب می‌کند و کشنده است، ضربه سنگ به سر کشنده است، سقوط از بلندی به پایین مرگ‌آور است، خفگی می‌کشد، غرق شدن در آب مرگ‌آور است، اشیاء از بلندی به پایین سقوط می‌کنند. همچنین می‌دانند نرسیدن آب به یک مزرعه باعث خشک شدن آن می‌شود. ساحل نشینان می‌دانند در ساعاتی از شبانه روز آب دریا به بالا و پائین (مد و جزر) می‌رود. گاز خانگی در صورت تراکم در یک خانه کشنده و خطر انفجار آن بالا است. اتصال جریان الکتریسته به انسان موجب مرگ می‌شود. رانندگی با خودروی فاقد ترمز و یا با دنده سبک در سرازیری تند خطرناک است. لذا این علم عرفی به انسان قدرت پیش‌بینی صدمات و نتایج مستقیم اعمال و وقایع را می‌دهد.

اصولاً علیت رابطه‌ای است که میان یک سلسله وقایع مقدم و مؤخر برقرار می‌گردد، به نحوی که وقایع مقدم نقش جوهری و ضروری در پیدایش واقعه مؤخر داشته و با تکمیل مجموعه شرایط ضروری متقدم، حدوث واقعه مؤخر ضروری می‌گردد. این رابطه مصداق فیزیکی معینی که قابل لمس و مشاهده با حواس پنجگانه باشد، ندارد و تنها به وسیله قوه خیال آدمی و با تفکر و تعمق و تأمل و با کمک تجربه در روابط میان وقایع کشف می‌شود. در همین راستا است که دیوید هیوم فیلسوف مشهور انگلیسی گفته است: « هنگامی که یک نوع خاص از رویدادها همیشه و در همه موارد به نوع خاص دیگری از رویدادها پیوسته است، دیگر تردیدی نمی‌ورزیم که یکی را با پیدایی دیگری پیشگویی کنیم و آن استنباط علی را که تنها می‌تواند ما را درباره

هرامر واقع یا وجودی مطمئن سازد به کار گیریم. پس یک شیء را علت و دیگری را معلول می‌نامیم.<sup>۱۸</sup>

به بیان دیگر علت عبارت است از « شیئی که در پی آن شیء دیگری می‌آید، هرگاه که در پی همه اشیای مانند شیء اول، اشیایی مانند شیء دوم می‌آیند. یا به تعبیر دیگر، هرگاه که اگر شیء اول نبود، شیء دوم هرگز وجود نمی‌داشت.»<sup>۱۹</sup> همچنین هر علت دارای یک نیروی علی است. نیرویی که موجب ایجاد تغییر و یا تکوینی در عالم واقع می‌شود. معمولاً این نیرو با پیدایش معلول فروکش کرده و متوقف می‌شود و تنها می‌تواند بخشی از شرایط و زمینه‌های علیتی و ملحق به تاریخ معلول‌های بعدی و مع‌الواسطه باشد. به بیان دیگر نیروی علی واجد ضرورت و یا جبر علیتی است. اما هرگاه بین علت و یک حادثه تالی انفصال ایجاد شود، معمولاً واسطه‌های علی دیگری، انتساب علی آن حادثه به عمل نخستین را کمرنگ و مردّد می‌کنند، در حالی که چنین ابهام و تردیدی در رابطه علت نزدیک با صدمه مستقیم حادث نمی‌شود. به همین جهت اصولاً افراد نسبت به پیامدهای مستقیم اعمال‌شان هرچند قابل پیش‌بینی نباشند مسئولیت دارند.

#### الف: اهمیت پیش‌بینی‌پذیری در شناسایی علت قانونی صدمات مستقیم

اصل اولیه‌ای که از مجموعه قوانین، رویه قضایی و نظرات حقوق‌دانان ایرانی و انگلیسی استنباط می‌گردد این است که متهم نسبت به پیامدهای مستقیم اعمال خود مسئول است و در قلمرو حقوق کیفری هرگاه متهم قصد تحقق پیامد را داشته باشد حتی اگر وقوع آن را غیر ممکن و یا احتمالی هم بداند، مسئولیت کیفری او نسبت به آن زیان برقرار است. همچنین هرگاه وقوع صدمه جزایی نتیجه مستقیم خطای جزایی (بی‌پروایی یا غفلت) او بوده باشد نسبت به نتایج اعمال خود مسئولیت دارد. این اصل متکی به این فرض ابتدایی است که انسان‌ها در اثر عادات و تجربه از خطراتی که از اعمال آنان حادث می‌شود آگاه هستند. به بیان دیگر یک نوع علم، هرچند اجمالی، در جوامع بشری نسبت به توانمندی علی اعمال پرخطر برای حدوث

۱۸- کاپلستون، فردریک، *تاریخ فلسفه*، جلد پنجم، ترجمه امیر جلال‌الدین اعلم، چاپ چهارم، انتشارات سروش، ۱۳۸۲، ص ۲۹۹.

۱۹- همان منبع.

صدمات و زیان‌ها، وجود دارد. بر این اساس می‌توان مسئولیت کیفری و مدنی را در نتایج مستقیم اعمال مفروض شمرد. ما این بحث را در دو مقوله صدمات مقصود و غیر مقصود پی می‌گیریم.

### ب: قابلیت پیش‌بینی در "صدمات قصدشده و مستقیم"<sup>۲۰</sup>

صدمه یا زیان مقصود عبارت است از ضرر و زیانی که متهم با انجام فعل مجرمانه خود برای نیل به آن تلاش کرده است و به بیان دیگر دارای سوء نیت خاص که همانا قصد تحقق آن نتیجه است می‌باشد. پروفیسور آشورت معتقد است؛ «هرگاه احراز شود متهم قصد تحقق نتیجه را داشته و یا از خطر وقوع آن آگاه بوده است دیگر هرگونه کاوش و تحقیق علی‌التوسط دادگاه برای احراز رابطه علیت [امری تشریفاتی و صوری خواهد بود...]<sup>۲۱</sup> و در ادامه این مطلب را تحت عنوان این قاعده که «نتایج قصدشده هرگز خیلی دور نیستند» تحکیم بخشید.<sup>۲۲</sup> به بیان دیگر اگر کسی وقوع زیان را قصد کرده باشد، حتی اگر بر مبنای توازن احتمالات احتمال وقوع آن ناچیز و یا در نظر او غیر ممکن بنمایاند، و در عمل، در اثر عملکرد او آن نتیجه رخ دهد، صدمه به فعل وی انتساب علی داشته و مسئولیت کیفری بر عهده‌اش برقرار می‌گردد. همین‌طور هرگاه خطر وقوع صدمه را پیش‌بینی کرده ولی با بی‌پروایی به انجام عمل پر خطر خود ادامه داده باشد.

در همین راستا موضع قانون مجازات اسلامی در خصوص قتل عمدی با فعل غیر کشنده‌ای که قاتل آن را با قصد قتل انجام داده در بند الف ماده ۲۰۶ مؤید نظر ماست. در این بند که به یکی از موارد قتل عمدی اختصاص دارد آمده است: «مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعاً کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود.» تردیدی نیست که هرگاه فعل عمدی و توأم با قصد

20. intended and directed consequences .

21. Andrew Ashworth ,op.cit.,p.100: "Any causal inquiry will be perfunctory if it is clear that D either intended to cause the result or knowingly risked causing it..." .

22-. Ibid .

نتیجه‌ای که قاتل انجام داده از افعالی باشد که بر اساس کیفیت ارتکاب و مقاومت های زیستی انسان، ضرورتاً مرگ‌آور بوده و یا در اغلب موارد پس از اصابت و تأثیر بر انسان‌ها موجب مرگ گردیده باشد، و بین آن فعل با مرگ رابطه علیت برقرار باشد، مسئولیت کیفری محقق می‌شود. علاوه بر این به موازات جمله معروف پروفسور آشورت مبنی بر اینکه « نتایج قصد شده هرگز خیلی دور نیستند»، در این بند از ماده ۲۰۶ ق.م.ا به فعلی که با عنایت به چگونگی ارتکاب و نیروی علی خود، فاقد نیروی علیتی ضروری برای حدوث مرگ است و بر سبیل اتفاق به چنین نتیجه ای انجامیده اشاره و شرط شده که هرگاه چنین فعلی توأم با قصد قتل باشد « و درعمل سبب قتل شود» موجب مسئولیت قاتل به جرم قتل عمدی خواهد بود.

بر این اساس در حقوق ایران، در قتل مفروض است که صدمات قصدشده همواره با رفتار متهم ربط علی دارند و بُعد زمان و حتی فاصله علی نیز معمولاً نادیده گرفته می‌شود. مثلاً هرگاه کسی با سنگ به پای دیگری بکوبد و این عمل را با قصد قتل انجام دهد، اگر منجر به خونریزی و عفونت و متعاقباً مرگ شود اگر چه چنین کاری نوعاً کشنده نیست ولی جرم واقع شده قتل عمدی تلقی شده و متهم مطابق بند اخیرالذکر ماده ۲۰۶ مقصر به قتل عمدی خواهد بود.

پروفسور مک آی درباره اعمال عمدی انسان و ارزش آن‌ها در قضاوت‌های علی رایج در حقوق گفته است: « رفتارهای تعمدی انسانی، ارزش علی ویژه‌ای دارند زیرا آن‌ها مرکز ثقل ملاحظات مربوط به مسئولیت و شیوه‌های گوناگون کنترل [اجتماعی] هستند»<sup>۲۳</sup>. به اعتقاد نگارنده در نتایج قصدشده و مستقیم، برای بررسی رابطه علیت قانونی، عنصر قابلیت پیش‌بینی زیان نقشی ندارد، زیرا قصد مجرمانه علاوه بر آنکه معمولاً توأم با پیش‌بینی نتایج عمل هم می‌باشد، از لحاظ عرفی نیز قابل سرزنش‌ترین وضع ذهنی است.

#### ج: قابلیت پیش‌بینی در "صدمات قصدنشده و مستقیم"<sup>۲۴</sup>

بحث فعلی راجع به این امر است که اگر در اثر رفتار شخصی، صدمه ای واقع گردد که رابطه

23. J. I. Mackie, *The Cement of The Universe, A Study of Causation*, Oxford at the Clarendon Press, London, reprinted, 2002, p120: "Deliberate human actions are particularly relevant as causes because they are the focus of interest with respect to responsibility and various form of control".

24. unintended and directed consequences .

علی مستقیمی با آن داشته اما او قصد تحقق آن نتیجه را نداشته است، و از طرفی وقوع آن پیامد را هم پیش‌بینی نکرده بود، آیا می‌توان وی را از لحاظ کیفری مسئول شمرد. وضعیت‌های گوناگونی موجب عدم قابلیت پیش‌بینی زیان می‌گردد. گاهی متهم از قانون علیت حاکم میان رفتار خود با آن پیامد مخصوص آگاه نیست. گاهی از برخی ویژگی‌های استثنایی زیان دیده که به نحوی در پیدایش زیان مؤثر بوده‌اند آگاهی ندارند. در برخی موارد از برخی حقایق و جزئیات مادی پیرامونی قربانی یا شیء موضوع جرم آگاه نیست.

اصولاً هرگاه کسی قصد تحقق نتیجه‌ای را کرده باشد به دو شرط در هر حال نتیجه با عمل او انتساب علی داشته و مسئولیت کیفری برقرار است خواه صدمه مستقیم باشد و خواه غیر مستقیم. اول اینکه فعل متهم و نتیجه زیان‌بار تحقق پیدا کرده باشند. دوم اینکه رابطه علی میان آن دو برقرار باشد، اعم از آنکه این رابطه مستقیم یا غیر مستقیم باشد. بحث فعلی پیرامون اهمیت عنصر قابلیت پیش‌بینی در صدمات مستقیمی است که به طور غیر منتظره و دور از انتظار متهم در اثر عمل او حادث شده‌اند. در اینجا به دلیل آنکه برخی از مثال‌ها و دعاوی قابل طرح با موضوع صدمات غیر مستقیم ارتباط نزدیکی دارند صرفاً به اختصار دیدگاه خود را درباره نقش قابلیت پیش‌بینی نتیجه در مواردی که متهم قصد تحقق آن را نداشته است در قالب اصولی که به شرح ذیل می‌آیند مطرح می‌کنیم. اصل اول اینکه قاعداً هرگاه فعل ارادی بوده باشد و نتیجه با آن ارتباط مستقیم علیتی داشته باشد، پیش‌بینی‌پذیری نتیجه شرط مسئولیت کیفری نیست. مثلاً بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی در قتل‌هایی که با فعل نوعاً کشنده صورت می‌گیرند، همواره قتل را عمدی دانسته است. فعل نوعاً کشنده حاوی نوعی ضرورت علی و یا احتمال قوی ایجاد مرگ است. قانون‌گذار ایرانی برخلاف افعال به ندرت کشنده که همواره آن‌ها را در صورتی مصداق قتل عمدی دانسته که توأم با قصد قتل باشند (بند الف ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی) و بر خلاف افعالی که به دلیل آسیب‌پذیری مقتول نسبت به فعل، تنها در فرض آگاهی قاتل به ویژگی آسیب‌شناختی قربانی، قتل را عمدی دانسته است، در افعال غالباً و نوعاً کشنده نه به لزوم وجود قصد قتل و نه به لزوم علم به کشنده بودن فعل اشاره نشده و تلویحاً فرض بر علم عرفی به کشنده بودن چنین افعالی گذاشته شده است. با این حال به نظر نگارنده در افعال نوعاً کشنده موضوع بند ب ماده ۲۰۶ ق.م.ا، اگر چه انجام عمدی چنین فعلی با عنایت

به فرض علم به کشنده بودن آن‌ها، اماره علم به قابل پیش‌بینی بودن مرگ است، اما در صورتی که متهم بتواند ثابت کند که فاقد چنین علمی بوده است قاتل عمد نخواهد بود. به بیان دیگر برعکس بند ج این ماده که در آنجا برای قاتل عمد شمردن متهم، باید علم او به آسیب‌پذیری مقتول و به بیان دیگر پیش‌بینی خطر مرگ احراز گردد و بار اثبات علم بر عهده دادستان و اولیای دم می‌باشد، در بند ب این ماده فرض بر علم قاتل به کشنده بودن عملش استوار است و این اوست که می‌تواند با اثبات جهل خود، از اتهام قاتل عمدی تبرئه شود.<sup>۲۵</sup>

نویسندگان تابع نظام کامن‌لو نیز چنین اصل و قاعده‌ای را با ارائه دو رویکرد نظری تثبیت کرده‌اند. یکی تحت عنوان نظریه احتمال که توسط دانشمند بزرگ انگلیسی، هانوره مطرح شده است و دیگری نظریه مشهوری است که به نظریه خطر معروف است. بر اساس نظریه احتمال «یک حادثه در صورتی علت حادثه دیگر به شمار می‌رود که بروز حادثه اول به طرز قاطعی احتمال رخداد حادثه دوم را در پی داشته باشد».<sup>۲۶</sup>

نظریه خطر نیز حاوی این مطلب است که همین که شخص زبانی به بار آورد باید آن را جبران کند، اعم از آنکه مقصر باشد یا نباشد. عمدتاً در دیدگاه صاحبان این نظر صرف احراز رابطه علیت بین خطر و ضرر برای تحمیل مسئولیت کافی است. می‌دانیم که امروزه در قلمرو حقوق کیفری با توسعه جرایم با مسئولیت کیفری بدون تقصیر چنین نظریه‌ای به سرعت در حال رشد و تحول است.<sup>۲۷</sup>

۲۵- (برای مطالعه بیشتر ببینید: صادقی، محمد هادی، پیشین، ص ۱۱۹ به بعد.

26 . Lennart Aqvist and Philip Mullock, *Causing Harm*, Walter de Gruyter, New York, 1989. , p.21: "a pure probability theory of causation would state that one event so the cause of another if the appearance of the first event is followed with a high probability by the appearance of the second..."

۲۷- برای مطالعه درباره نظریه خطر، ببینید: کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۱۹۶، و Hart and Honore, op.cit, PP.284-29 و برای مطالعه تفصیلی پیرامون مسئولیت کیفری بدون تقصیر ببینید: اسماعیل عبدالهی مسئولیت کیفری بدون تقصیر در حقوق کیفری ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، کتابخانه دانشکده حقوق، ۱۳۸۵.

لازم به ذکر است که در حقوق اسلام نیز قاعده لاضرر، شباهت بسیار زیادی با نظریات مذکور دارد و به‌ویژه این حکم قاعده اخیر که نباید هیچ ضرری بلاجبران بماند، دلالت آشکاری بر کفایت صرف احراز علت بین رفتار و زیان برای تحمیل مسئولیت دارد.<sup>۲۸</sup>

البته اگر چه نظریه‌های فوق در قلمرو حقوق کیفری حائز اهمیت بسیار هستند و اگرچه ادعان داریم که از لحاظ قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی و جبران خسارت صرف ایجاد خسارت منطق و مبنای با کفایتی برای تحمیل مسئولیت به‌ویژه در صدمات مستقیم می‌باشد، اما با این حال حتی در صدمات مستقیم هم عدم پیش بینی نتیجه همواره موجب کاهش بار سرزنش‌پذیری و مسئولیت کیفری مرتکب می‌شود. به همین خاطر «اصولاً در حقوق کیفری انگلستان علت قانونی یا علت مجاور متشکل از دو عنصر است. یکی علت حقیقی و دیگری قابلیت پیش‌بینی نتیجه»<sup>۲۹</sup> که البته همانگونه که قبلاً نیز متذکر شدیم، در صدمات مستقیم فرض اولیه آن است که انسان‌ها در اثر تجارب خود آثار طبیعی و معمول رفتارهای گوناگون خود را می‌دانند. بر همین اساس «بعضی نویسندگان و دادگاه‌های آمریکا گفته‌اند که ضرر به بی‌واسطه و مستقیم در هرحال قابل جبران است ولی ضررهای با واسطه را در صورتی می‌توان مطالبه کرد که قابل پیش‌بینی باشند».<sup>۳۰</sup>

#### د: اهمیت پیش‌بینی‌پذیری در شناسایی علت قانونی صدمات غیر مستقیم

در مورد حکم صدمات مستقیم و غیر قابل پیش‌بینی، ما بنا را بر مسئولیت عامل علت نزدیک می‌گذاریم. فرض آن است که او از نقش علی رفتار خود در پیدایش زیان آگاه بوده است، به‌ویژه اگر مرتکب در انجام فعل خود عمداً جرمی مرتکب شده و یا با نقض مقررات و عدول از معیارهای عرفی عمل کرده باشد. به عنوان نمونه پرونده ذیل<sup>۳۱</sup> حائز اهمیت است در تاریخ

۲۸. بینید: محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ دوم، موسسه نشریلا، تهران، ۱۳۷۴. ص ۱۶۹ به بعد  
29. Charles R. Skip, Watson, Jr.P, *Proof of Causation*, 18TH annual advanced civil appellate practice course in Texas Law Review, published in Texas by state bar of Texas, 2004, p.3

۳۰. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۹۹.

۳۱. - پرونده کلاسه ۷۴۵/۱۰/۸۵ شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران، مطالعه شخصی.

۱۳۸۱/۱۲/۲۷ مصادف با شب چهارشنبه سوری سه نفر متهم به نام‌های محسن، رضا و مجید، هر سه نظامی، مرحوم حسن را به دلیل ترقه‌بازی دستگیر کردند. در جریان دستگیری، حسن برای خلاصی خود از دست متهمین تلاش در رهایی و فرار و مقاومت داشت. در این موقع هر سه متهم با ضربات مشت و باطوم او را مورد ضرب قرار دادند. ناگهان در اثر آن ضربات ترقه پر قدرتی که حسن زیر لباس‌هایش (در ناحیه شکم) مخفی کرده بود، منفجر گشت و موجب مرگ وی گشت. پزشکی قانونی علت مرگ را خونریزی داخلی و له‌شدگی ریه متعاقب انفجار مواد محترقه اعلام کرد.

شعبه چهارم دادگاه نظامی یک تهران، طی حکم صادره<sup>۳۲</sup> هر سه متهم را به دلیل جهل به وجود و اختفا مواد محترقه در زیر لباس‌های مرحوم از اتهام قتل عمدی تبرئه نمود اما آنان را به اتهام قتل غیر عمدی به پرداخت یک فقره دیه به نحو مساوی محکوم کرد. با تجدید نظرخواهی اولیای دم و همچنین محکوم‌علیه‌هم، پرونده به شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور ارجاع شد. این مرجع با این استدلال که «... انتساب قتل به سه نفر متهم روشن نیست...»<sup>۳۳</sup> رأی را نقض و پرونده به دادگاه هم‌عرض ارجاع گردید. شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران به عنوان دادگاه هم‌عرض در دادنامه صادره<sup>۳۴</sup> که اجمالاً مبنی بر اصرار بر حکم شعبه چهارم دادگاه نظامی بود چنین استدلال کرد: «...۳- آنچه از نظریه‌های پزشکی قانونی و تشخیص هویت استنباط می‌شود این است که ترقه‌ای که در زیر لباس متوفی قرار داشته به علت ضربه‌هایی که توسط متهمین بر بدن متوفی وارد آمده منفجر شده و موجب مرگ متوفی شده است، اما تأثیر عمل هریک از متهمین نامعلوم است و بدیهی است که این امر تأثیری در میزان مسئولیت متهمین ندارد»<sup>۳۵</sup> چرا که هر

۳۲- حکم شماره ۲۱۱-۱۳۸۴/۳/۷.

۳۳- دادنامه ۳۱/۷۹۳-۸۴/۱۱/۲۵.

۳۴- دادنامه ۲۳۴-۸۵/۱۰/۴.

۳۵- به اعتقاد نگارنده بدهت اعتقاد دادگاه در مسئولیت متهمین از باب شرکت در قتل، چندان مدلل و روشن نیست. زیرا در حقوق کیفری ایران، سببیت بسیارمادی و جزمی بوده و ضرورت داشت نقش علی عمل هر متهم در انفجار با ذکر ادله در دادنامه روشن می‌شد که البته چون متهمین در این زمینه اقراری نداشتند، دادگاه با فقد دلیل بر اینکه کدام‌یک از آنان ضربه منتهی به انفجار را به مرحوم زده مواجه بوده است و همین مساله موجب شده که آنان را از باب شرکت در فراهم کردن سبب مرگ محکوم نماید. به بیان دیگر چون ترقه زیر لباس‌های قربانی مخفی بوده و معمولاً انفجار آن در اثر ضربه واحد و به فوریت پس از نواختن آن صورت می‌گیرد و بعید است که هر سه متهم هر کدام مستقلاً یک ضربه به طور متوالی بر آن ناحیه وارد کرده باشند ظاهر بر آن است که تنها یک

سه نفر فوق در ایراد ضرب متوفی دخالت داشته‌اند و نظریه‌های فوق نیز با مؤدای گواهی گواهان هماهنگی دارد. بنابراین آنچه در رأی شعبه محترم دیوان عالی کشور به آن اشاره شده مؤثر در مقام نیست زیرا به اعتقاد دادگاه انفجار ترقه که موجب مرگ شده در نتیجه ضربه‌هایی بوده که هر سه متهم وارد کرده‌اند.<sup>۳۴</sup> از نظر نوع قتل نیز باید گفت با توجه به مراتب فوق هرچند متهمین در ایراد ضرب نسبت به متوفی عامد و قاصد بوده‌اند اما نتیجه حاصله که مرگ متوفی است مورد نظر آنان نبوده و دلیلی بر این امر وجود ندارد و چون ضربه‌های مذکور به طور اتفاقی موجب قتل شده است موضوع از مصادیق قتل شبیه عمد است که به نحو مشارکت واقع شده است. لذا دادگاه... هر سه نفر را مشترکاً به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق اولیای دم محکوم می‌نماید.<sup>۳۶</sup>

ملاحظه می‌گردد با وجود آنکه در دعوی فوق نه تنها متهمین که هرکس دیگری هم اگر در جایگاه آن‌ها قرار می‌گرفت وقوع مرگ را به این شیوه پیش‌بینی نمی‌کرد و به بیان دیگر وجود و اختفاء مواد منفجره و انفجار آن در اثر ضربه قابل پیش‌بینی نبود، اما هر دو دادگاه متهمین را محکوم به پرداخت دیه کردند. این نگرش از حیث مسئولیت ضاربین ناشی از مستقیم بودن مرگ در اثر انفجار<sup>۳۷</sup> و عمل متهمین بوده است. از این آراء چند نتیجه قابل استخراج است: اول اینکه

ضربه منجر به انفجار و مرگ شده است. با این حال صدور چنین رأیی در حقوق کیفری انگلستان قابل قبول می‌باشد. چرا که در نظام اخیر هرگاه دو یا چند نفر با اقدام مشترک به طور جمعی (joint enterprise) حادثه‌ای را انجام داده باشند که منتهی به مرگ کسی شده باشند ولی قاتل به نحو متقن مشخص نشود، همگی به اتهام قتل به مجازات مستقل (قتل عمدی) محکوم می‌شوند. برای مطالعه ببینید:

Jonathan Herring, *Criminal Law, Text, Cases and Materials*, 1ed. Oxford University Press, 2004, p.823

۳۶- نگارنده از سرنوشت رأی اخیر و اینکه آیا مورد تجدید نظر خواهی واقع شده و در فرض تجدید نظر، دیوان عالی کشور چه تصمیمی اتخاذ کرده است اطلاع ندارد.

۳۷- ممکن است خرده گرفته شود که در این پرونده صدمه مستقیماً ناشی از ضربه نبوده و بلکه ضربه منجر به انفجار و انفجار منتهی به مرگ شده است. ما این دیدگاه را در باب مستقیم بودن نتیجه قبول نداریم چرا که ملاک این مسأله ارتباط عرفی است و نه ارتباط علمی و فلسفی. همان‌گونه که سابقاً نیز متذکر شدیم در چنین مواردی عرف بیدرنگ، عمل متهمین را عامل مرگ می‌داند و چون مواد محترقه در اثر ضربه مجبور به جبر علیتی و انفجار آن‌ها امری محتوم بوده و این واسطه، واسطه‌ای غیر مختار می‌باشد و از تبعات اجتناب‌ناپذیر ضربه که به آن شکل وارد شده بوده می‌باشد لذا در این مجال آن‌ها را بررسی کردیم. در ضمن در فصل آتی مجدداً این رای را از حیث دخالت مقتول در ایراد صدمه بر خود بررسی خواهیم کرد.

صدمات مستقیم همواره قابل جبران هستند. دوم اینکه قابلیت پیش‌بینی نتیجه در صدمات مستقیم ارزش علی‌چندانی در سنجش مسئولیت متهم ندارد. سوم آنکه اعمال پرمخاطره و مجرمانه تعمدی همواره موجب مسئولیت هستند، حتی اگر بدون قصد نتیجه و پیش‌بینی آن رخ داده باشند.

« در یک دعوی مشهور انگلیسی<sup>۳۸</sup>، نیز خدمه یک کشتی با بی‌مبالاتی یک قطعه آهن سنگین را از نقطه مرتفعی در کشتی به کف انبار آن انداختند. آن‌ها نمی‌دانستند که در انبار، بخار بنزین ذخیره کشتی متصاعد شده و همه جای آن را فراگرفته است. ناگهان با سقوط آن قطعه و اصابت آن به آهنی دیگر در کف انبار، جرقه‌ای حادث گشت که منتهی به انفجار کشتی شد. دادخواهی صاحب کشتی برای مطالبه خسارات وارده پذیرفته شد<sup>۳۹</sup>. اساس استدلال دادگاه در صدور این حکم آن بوده که « اینک متهمین به‌طور معقولی امکان پیش‌بینی نابودی و انفجار کشتی را در لحظه‌ای که عمل غفلت‌آمیز را مرتکب شدند نداشتند بی‌اهمیت است چرا که صدمه وارده نتیجه مستقیم عمل آنها بوده است<sup>۴۰</sup>. این رأی به روشنی بر فرض اولیه ما مبنی بر اینکه صدمات مستقیم حتی اگر قابل پیش‌بینی نباشند، همواره قابل جبران هستند صحه گذارده است<sup>۴۱</sup>».

در هر دو دعوی فوق عدم قابلیت پیش‌بینی نتیجه، ناشی از وجود یک شرط علی مؤثر غیر قابل پیش‌بینی در شرایط مجاور وحاشیه قربانی یا مال موضوع صدمه بوده است. با این حال گاهی در خود قربانی و نه در شرایط فرعی وسایل و اشیاء مجاور و همراه او یک سری ویژگی‌ها وجود دارد که آسیب‌پذیری‌اش را در مقابل عمل متهم بیشتر می‌کند و در فرض عدم وجود آن شرایط صدمه در زمان و مکان و به شیوه‌ای که رخ داد، در اثر عمل متهم واقع نمی‌شد. در چنین

38. Re Polemis and Fuarness, withy and Co, 1921.

39. Hart and Honore, op.cit, p.174.

40. Ibid : “ it was immaterial that the defendants could not reasonably have foreseen the destruction of the ship at the time of there negligent act, since the loss was the direct consequence of it” .

۴۱- لازم به تذکر است که بعدها در پرونده دیگری 1961, The wagon mound (n.1), این ضابطه کمی تغییر کرد ببینید: غیر مستقیم مرتبط بوده. Hart, and Honore, op, CH. pp. xxxvi, 176, 255, 256, 269.

مواردی حقوق انگلستان در فرض مستقیم بودن صدمه این دفاع متهم را که من شرایط خاص قربانی را پیش‌بینی نکردم مؤثر در سنجش مسئولیت او ندانسته و وی را نسبت به تبعات عمل خود از لحاظ جزایی مسئول می‌داند. اصل رایج در حقوق انگلستان در این زمینه این است که «متهم باید قربانی را آن‌طور که هست بپذیرد»<sup>۴۲</sup> و یا به عبارت دیگر «متهم باید قربانی را آن‌طور که او را یافته است بپذیرد».<sup>۴۳</sup> این قاعده علاوه بر شرایط جسمانی انسان، عقاید او و همچنین ویژگی‌های خاص اموال را که بر متهم پوشیده و ناشناخته اند و حتی ممکن است غیر معمول و نامتعارف هم باشند پوشش می‌دهد.

به بیان دیگر، مثلاً در مورد اموال « اصولاً یک شخص خطاکار، باید مال صدمه‌دیده را، همانند انسان زیان‌دیده، به همان نحوی که او آن را [در زمان ارتکاب عمل موجب زیان] مشاهده کرده است، بپذیرد.»<sup>۴۴</sup> خواه از آسیب‌پذیری و شرایط پیرامونی آن آگاه باشد یا نباشد. پروفیسور آشورت و دیگر دانشمندان انگلیسی این نظریه را «قاعده جمجمه ضعیف»<sup>۴۵</sup> نامیده‌اند.<sup>۴۶</sup> و آشورت در مقام مثال گفته است: «اگر متهم جرح جزئی بر قربانی که بیماری هموفیلی دارد، وارد کند و در اثر خونریزی ناشی از آن جرح بمیرد، قاعده این است که متهم از لحاظ علیتی نسبت به مرگ قربانی مسئولیت کیفری خواهد داشت».<sup>۴۷</sup>

به عنوان نمونه‌ای از رویه قضایی انگلستان، دعوی هایوارد (۱۹۰۸) قابل ذکر است. در این دعوی متهم در یک حالت هیجان‌زدگی و خشونت‌بار با همسرش گلاویز شد و در حالی که تهدید به اعمال خشونت می‌کرد او را از خانه بیرون راند. قربانی پس از خروج از منزل جلوی خانه و در

42. William Wilson, *Criminal Law Doctrine and Theory*, 2ed, Longman Publisher, London, 1998., p104: ... defendant must take the victim as he is".

43. Catherine Elliot and Frances Quinn, *Criminal Law*, 4ed. Longman Publisher, London, 2002, p45: "the defendant must take the victim as s/he finds him".

44. Hart and Honore, op.cit, p.174: "... in principle a tortfeasor must takes his victims property, like his person, as he finds it.

45. Thin skull rule(or principle) .

46. Andrew Ashworth, , op.cit., p. 106 .

47. Ibid , p107.

خیابان سقوط کرد و درگذشت. شواهد پزشکی نشان داد، وی از نوعی شرایط نامتعارف زیستی رنج می برد که عوامل ترس آور، استرس زا و تقلای فیزیکی می توانست موجب مرگ او گردد. قاضی رایدلی<sup>۴۸</sup> در مقام ارشاد هیئت منصفه اعلام کرد: «... اثبات اعمال خشونت فیزیکی واقعی ضروری نیست، بلکه همین که مرگ قربانی در اثر ترس حادث شده و این ترس در اثر یک عمل غیر قانونی همانند تهدید و یا خشونت ایجاد گردید، برای مسئولیت متهم کافی است.»<sup>۴۹</sup>

در دعوی آمریکایی مشابهی نیز<sup>۵۰</sup> قربانی یک سرقت مسلحانه که از بیماری انسداد پیشرفته عروق<sup>۵۱</sup> رنج می برد، تحت تأثیر استرس و هیجان ناشی از تهدیدات و شرارت های متهمین درگذشت. پزشکان اعلام کردند ترس ناشی از سرقت مسلحانه آنقدر شدید بوده که بر سیستم قلب و عروق "هانی من"<sup>۵۲</sup> یک شوک غیر قابل مهار وارد کرد. دادگاه استیناف کالیفرنیا طی حکم صادره اعلام کرد: «قاعده جنایت - قتل عمد<sup>۵۳</sup> محدود به مرگ های قابل پیش بینی نیست، بلکه یک جنایتکار مسئول تمام مرگ هایی است که بر اثر مداخله او در جریان جنایت رخ داده است. از آنجا که قتل در این پرونده نتیجه مستقیم سرقت مسلحانه بوده است، قتل عمد در هر حال اجرا می شود، خواه وقوع مرگ یک نتیجه طبیعی آن جنایت و یا نتیجه احتمالی آن بوده

48. Ridely . j .

49. Hyward, 1908 in : Michael . J.Allen , *Textbook On Criminal Law* , 7ed , Oxford University Press, 2003, p.37 .

50. People V. Stamp , 2 cal, p.1969 .

51. severe coronary disease .

۵۲- نام قربانی Hony Man بود.

۵۳- آقای دکتر میر محمد صادقی (felony murder rule) را قاعده جنایت قتل عمد ترجمه کرده اند. ولی آقای دکتر حسین آقایی نیا آن را قاعده قتل عمد جنایی گفته اند. بر اساس این قاعده که عمدتاً در حقوق آمریکا پذیرفته شده اگر کسی در اثنای جنایتی غیر از قتل ، مانند سرقت مسلحانه ، تجاوز به عنف و ایجاد حریق عمدی بدون آنکه قصد قتل داشته باشد انسانی را بکشد یا در اثر اعمال او کسی کشته شود این قتل عمدی محسوب می شود. برای مطالعه بیشتر و مقایسه ببینید.

- سی، ام، وی، کلارکسون، *تحلیل مبانی حقوق جزا*، ترجمه حسین میرمحمدصادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی، شهید بهشتی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴، ص ۱۸۱.

- واین آر، *لغوی سببیت در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا*، بخشی از کتاب Criminal law، ترجمه حسین آقایی نیا، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳، صص. ۷۹-۸۸.

باشد و این مسأله که قربانی دارای بیماری قلبی بوده و از طرفی مهاجمین از آن بی خبر بوده‌اند، تأثیری در مسئولیت علیتی آن‌ها ندارد.<sup>۵۴</sup>

همان‌طور که سابقاً تشریح شده در صدمات مستقیم اعم از مقصود و غیر مقصود، فرض اولیه بر علم و آگاهی متهم بر قابلیت علی عملکرد خود در پیدایش صدمه استوار است. اما در وضعیت‌هایی از قبیل فوق و مثال‌های زیر با دشواری‌هایی مواجه می‌شویم. یک مورد جالب از این دست پرونده کلاسه ۳۳۷/۱۸/۱۳۸۱ کیفری شعبه ۱۸ دادگاه عمومی اهواز است.<sup>۵۵</sup> محتویات این پرونده حاکی از آن است که در تاریخ ۱۳۷۸/۵/۲۵ بستگان زن و مردی که اختلاف خانوادگی داشتند و پرونده آن‌ها در دادگاه خانواده اهواز مطرح بود، مطابق عرف معمول در عشایر، جلوی درب دادگستری، جداگانه اجتماع کرده و منتظر برگزاری دادگاه بودند. هر دو طرف قوم و خویش نزدیک و از عشایر عرب اهواز بودند. یکی از افراد حاضر مرحوم شیخ‌حسن، بزرگ خاندان و رئیس عشیره و ۷۷ ساله بود که در گوشه‌ای در حالی که لباس عربی پوشیده و چفیه مخصوص اعراب بر سر داشت، نشسته بود. وی پدر زوجه بود. ناگهان سعید برادر داماد که از اختلاف خانوادگی برادرش با دختر شیخ حسن عاصی شده بود از پشت سر شیخ حسن به طور ناگهانی حمله و چفیه وی را به قصد تحقیر و اهانت ربود. بلافاصله شیخ‌حسن نقش زمین بیهوش شد و پس از دقایقی در بیمارستان ابوذرا اهواز فوت کرد.

لازم به ذکر است که در عرف اعراب چفیه نشانه وقار، شخصیت و منزلت اجتماعی است و در میان مردم شأن و منزلت بسیار بالایی دارد و اوج تحقیر و اهانت به یک انسان محترم با برداشتن چفیه او صورت می‌گیرد از طرفی مرحوم شیخ بزرگ خاندان خود بود و برداشتن چفیه، درجه وهن و احساس حقارت و تخفیف شخصیت وی را بالا برد. در تحقیقات به عمل آمده شهود گواهی دادند؛ سعید در حالی که متوفی نشسته بود به سر وی زد و چفیه او را کشید بعد از آن عمویم بی هوش شد. دیگری گفت سعید از پشت سر به حسن حمله کرد و چفیه او را دزدید و فرار کرد. خود متهم گفت؛ من به خاطر اینکه آبروی شیخ حسن را ببرم چفیه وی را از سرش

54. Sanford H. Kadish and Stephen J. Schulhofer, *Criminal Law and Its Processes, Cases and Materials*, Aspen Publishers, 7ed, New York, 2001. PP.350-352 .

۵۵- مطالعه شخصی .

برداشتن و ایشان نشسته بود و بعد از آن چیز دیگری نفهمیدم. یکی از اولیای دم نیز اظهار داشت، سعید سبب قتل پدرم شده، البته نمی‌توانم بگویم عمد بوده است. دیگران از اولیای مرحوم به اتهام قتل عمد علیه سعید شکایت کردند.

پزشکی قانونی اهواز طی نظریه‌ای اعلام داشت: یکی از عوامل محرک سیستم عصبی خودکار مواجه شدن با موقعیت‌های استرس زاست. یکی از موارد استرس اقدام اهانت آمیز است و اهانت‌آمیز و استرس‌زا بودن فعل بستگی بسیار نزدیکی به باورهای فرهنگی و قومی و شخصیتی و دینی افراد دارد و در یک فرد مسن مانند مرحوم حسن، در صورتی که این اقدام (برداشتن چفیه) منافات با باورهای فرهنگی و دینی و قومی او داشته باشد (که نیاز به احراز مقام قضایی است) یک استرس محسوب شده و در نتیجه آن سیستم مرکزی عصبی تحریک شده، تپش قلب بالا می‌رود، تنفس سریع می‌شود، مردمک چشم تنگ می‌شود، دهان خشک می‌شود و دیگر قابل جبران توسط قلب متوفی که دارای بیماری قلبی، سابقه سکته و فشار خون بوده، نبوده، لذا این استرس به میزان ۵۰٪ در تسریع فوت مؤثر بوده است و به هر حال علت فوت عوارض ناشی از بیماری قلبی اعلام می‌شود.

شعبه ۱۸ دادگاه عمومی اهواز طی حکم شماره ۹۷۳/۱۳۸ که اجمالاً مبنی بر برائت سعید از اتهام قتل عمدی و محکومیت ایشان به قتل شبیه عمد بود چنین استدلال کرد: «... در خصوص اتهام سعید... مبنی بر ارتکاب یک فقره قتل عمدی آقای حسن ... با عنایت به تحقیقات به عمل آمده ... و چهار نظریه ابرازی پزشکی قانونی خصوصاً نظریه اخیر که اعلام داشته متوفی بیماری پیشرفته قلبی داشته، پدید آمدن استرس در وی از ناحیه متهم را می‌توان به میزان ۵۰٪ در تسریع فوت متوفی دخیل دانست، با قرائن و امارات محقق و مسلم قضیه مطابقت داشته و نظری است صائب. و با توجه به دفاعیات موجه متهم و وکیل ایشان<sup>۵۶</sup> و انکار وی ... و اینکه علم متهم نسبت به وضع خاص مقتول و بیماری قلبی ایشان بر دادگاه محرز نبوده موضوع مانحن فیه از شمول بند ج ماده ۲۰۶ ق.م.ا. خارج است، عنوان قتل عمد بر آن صدق نمی‌کند. از طرفی اصولاً فعل ارتكابی نوعاً کشنده نبوده و متهم قصد فعلی را که نوعاً موجب جنایت نمی‌شود داشته ولی

۵۶- وکیل سعید خانم نوال نزاری وکیل پایه یک دادگستری اهواز بودند و ایشان رأی و خلاصه پرونده را در اختیار نگارنده گذاشتند.

قصد جنایت نسبت به مجنی‌علیه را نداشته، بلکه اتفاقاً موجب جنایت گردیده، بنا به جهات مرقوم به استناد اصل ۳۷ قانون اساسی حکم بر براءت متهم از اتهام قتل عمدی صادر می‌گردد، لکن با انطباق فعل ارتكابی با عناوین کیفری مجرمانه مشخص می‌گردد موضوع از مصادیق بارز قتل شبیه عمد است و در آن قالب می‌گنجد، انهایه ارتكاب بزه قتل شبیه عمد از ناحیه متهم مزبور محرز است و به استناد به بند ب ماده ۲۹۵ و ماده ۲۲۵ قانون مجازات اسلامی... حکم بر محکومیت آقای سعید به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان در حق ورثه مرحوم صادر می‌گردد.»

اولیای دم از این حکم تقاضای تجدید نظر کردند. پرونده در شعبه دهم دیوان عالی کشور بررسی‌گردید مرجع اخیر بدون خدشه بر استدلال دادگاه در احراز علیت طی دادنامه شماره ۲۱/۷۹، حکم بدوی را فقط از این حیث واجد ایراد تلقی و آن را نقض کرد که: «... در حقوق الناس استناد به اصلی کلی براءت بدون اتیان سوگند از ناحیه مدعی‌علیه وجهه شرعی و قانونی ندارد...». لذا موضوع جهت رسیدگی مجدد و رفع نقص به همان شعبه بدوی اعاده گردید. اولیای دم در دادگاه تقاضای احلاف متهم را کردند. متهم در جلسه دادگاه بر عمدی نبودن قتل سوگند یاد کرد و دادگاه طی حکم ۱۰۷۷/۸۱-۱۳۸۱/۸۰/۲۰- با اتکا به استدلال سابق «...و اینکه عمل ارتكابی از سوی متهم یعنی کشیدن چفیه از سر مقتول عمل کشنده محسوب نمی‌شود و از سوی دیگر متهم از بیماری مقتول بی اطلاع بوده و متهم بر غیر عمدی بودن قتل سوگند یاد کرده است...» حکم بر براءت نامبرده از اتهام قتل عمدی صادر کرد.

با این حال پرونده در راستای اعتراض متهم به محکومیت خود به پرداخت دیه کامله مستنداً به اینکه در نظریه پزشکی قانونی سهم علی عمل وی به میزان ۵۰ درصد در بروز مرگ واجد تأثیر بوده ولی دادگاه او را به پرداخت تمام دیه محکوم کرد به دادگاه تجدید نظر استان خوزستان ارسال و این مرجع با نقض حکم بدوی تنها به پرداخت پنجاه درصد دیه حکم صادر نمود.

اگر با دقت به این پرونده جالب و کم نظیر بنگریم می‌بینیم که؛ اولاً فعل متهم به هیچ روی قابلیت قتل که هیچ، قابلیت جرح و یا ایجاد خراش و خدشه در تمامیت فیزیکی و جسمانی انسان نداشته است. او تنها چفیه مرحوم را ربود. دوم؛ مرحوم حسن به لحاظ شخصیتی آدمی محترم،

موجه و بزرگ خاندان خود بود. سوم؛ در عرف عشایر عرب، چفیه واجد ارزش بالایی است. چهارم؛ از لحاظ فرهنگی در میان این قومیت اهانت به بزرگان طوایف گناهی بس بزرگ و معمولاً واجد تبعات سوء و انتقام جوئی‌های دردسرساز می‌گردد. حتی در میان این عشایر، چنین مرسوم است که اگر کسی به دیگری اهانتی کرد باید "فصل اهانت"<sup>۵۷</sup> به وی بپردازد. پنجم؛ متهم خود یک عرب بود و به خوبی می‌دانست ربودن چفیه موجب هتک حرمت مرحوم می‌گردد، و در اقاریر خود تصریحاً اعلام کرد قصد داشت آبروی آن مرحوم را ببرد. ششم؛ متهم از بیماری قلبی مرحوم آگاه نبود. هفتم؛ برای وی غیر قابل پیش‌بینی بود که مرحوم به علت چنین رفتاری فوت کند. برای عمده مردم هم چنین پیش‌بینی غیر ممکن می‌باشد. عقلای جامعه نیز نمی‌توانند مرگ در اثر بر داشتن چفیه شخصی را پیش‌بینی کنند. هشتم؛ از احکام صادره و بویژه رأی دادگاه تجدید نظر که بر اساس نظریه پزشکی قانونی متهم را تنها به پرداخت پنجاه درصد دیه محکوم کرد، ملاحظه می‌گردد که از نظر برابری اسباب متابعت شده است.

با این حال همواره نمی‌توان صدمات غیر مستقیم را از لحاظ علیت قانونی به عملکرد متهم نسبت داد حتی اگر آن عمل علت حقیقی آن صدمه و یکی از شرایط ضروری آن بوده باشد. مهم‌ترین دلیل آن عدم امکان پیش‌بینی صدمات غیر مستقیم است. مخصوصاً هرگاه عوامل طبیعی یا انسانی جدیدی دخالت نموده و عملی واجد کفایت علیتی و مؤثر در پیدایش صدمه انجام داده باشند. این بحث را در چند بعد جداگانه پی‌می‌گیریم.

### بخش دوم: نقش قابلیت پیش‌بینی حوادث طبیعی مداخله‌گر در تعیین علت قانونی

موضوع این گفتار این است که آیا اگر بعد از انجام عمل متهم، حادثه طبیعی مؤثری رخ دهد و به عبارتی دیگر یک عامل طبیعی موجب مرگ قربانی و یا ایجاد صدمه بر اموال او گردد موجب رفع مسئولیت از متهم می‌شود و یا کماکان عمل او علت قانونی زیان قلمداد می‌گردد. هارت و

۵۷- "فصل اهانت" که مصداقی از "فصل شرف" می‌باشد، عبارت است از خسارتی که کسی که به شخصیت دیگری توهین نموده، برای جبران ضرر معنوی، به زیان دیده می‌پردازد. به طور کلی "فصل" به آیین عرفی فصل مخاصمت میان عشایر گفته می‌شود. البته معنی دیگر آن در عرف اعراب، ضمانت اجرای خطاهای عرفی است. براین اساس به پولی هم که به عنوان غرامت به زیان‌دیده داده می‌شود، فصل می‌گویند.

هانوره در پاسخ این سؤال در حقوق انگلستان عقیده دارند «اصل مبنا این است که هرگاه پس از انجام عمل متهم حالت و یا حادثه ای فیزیکی رخ دهد که پیدایش آن به دلالت اوضاع و احوال معمول، امری طبیعی و متعارف بوده باشد، رابطه علیت را قطع نخواهد کرد»<sup>۵۸</sup>. مفهوم مخالف این رویکرد آن است که اگر وقوع حادثه ناگهانی و غیر قابل پیش بینی باشد به نحوی که نتوان آن را به عمل متهم نسبت داد و از سوی کفایت لازم را برای پیدایش زیان داشته باشد رابطه علیت را قطع خواهد کرد، که در حالت اخیر چنین حادثه ای قوه قاهره گفته می شود. دکتر کاتوزیان معتقد است «قوه قاهره حادثه ای است که: ۱- خارجی باشد و نتوان به شخص (مقصر) مربوط کرد. ۲- غیر قابل پیش بینی باشد و شخص بر حسب معتاد انتظار وقوع آن را نداشته باشد. ۳- احتراز ناپذیر باشد و شخص نتواند آن را دفع کند»<sup>۵۹</sup>. به بیان دیگر هرگاه حادثه خارجی قابل پیش بینی باشد و متهم رخداد آن را پیش بینی کند مسئولیت کیفری خواهد داشت.

اما هرگاه حادثه خارجی به طور کلی غیر قابل پیش بینی باشد از انصاف و عدالت به دور است که متهم را علت وقوع حادثه بدانیم. تبصره ماده ۳۳۷ قانون مجازات اسلامی درباره حوادث قهری مؤثر در تصادم وسائل نقلیه آورده است: «در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده ها باشد، مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا طوفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود، هیچ گونه ضمانتی در بین نیست». به عنوان مثال فرض شود راننده ای با سرعتی زیادتر از حدود مجاز در حال رانندگی است، به پلی که در مسیر اوست می رسد، ناگهان پل به علت بارندگی منجر به سست شدن بنیانش، فرو می ریزد. به اعتقاد نگارنده، حتی اگر احراز شود در صورت مجاز بودن سرعت، راننده کمی دیرتر روی پل در حال سقوط می رسید و در واقع حادثه رخ نمی داد و به این گونه نقش علی حقیقی او مواجه با تردید نباشد، اما به لحاظ غیر قابل پیش بینی بودن ریزش پل و نقش مؤثر و مستقل و با کفایتی که در خنثی سازی و جانشینی علت پیشین داشته

58. Hart and Honore, op.cit., p.340: "The basic principle is that a physical state or event, even if subsequent to the act of defendant, does not negative causal connection if it is normal or usual in the context."

۵۹- کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص. ۴۸۹.

است نمی توان سرعت غیر مجاز را علت حادثه شمرد. زیرا نقش سرعت صرفاً آن بوده است که متهم را سریع تر از زمانی که اگر نمی رسید حادثه رخ نمی داد به پل در حال سقوط رسانده است و مضافاً آنکه حتی اگر سریع تر از سرعت در حال تصادم می رفت نیز شانس نجات از حادثه را داشت، لذا سرعت زیاد علت حادثه نبوده و ما فروریختن پل را علت آن میدانیم. اما فرض کنیم راننده ای می داند پل در حال فرو ریختن است، پلیس راهنمایی هم تابلوی عبور ممنوع برای کامیون ها و ماشین های سنگین بر روی پل نصب کرده است، حال یک راننده کامیون با پروایی و بی توجهی به اعلام ممنوعیت عبور از روی پل عبور می کند و ناگهان پل سقوط می کند. در چنین حالتی تنها بر اساس نقش علم و آگاهی راننده از خطر آینده و پیش بینی آن، ما عمل او را که اگر فاقد علم بود علت نمی دانستیم، علت قانونی می شماریم.

لازم به ذکر است که آنچه که براساس آن، به قوه قاهره یا حادثه طبیعی، نقش خنثی سازی علت انسانی مقدم بر آن اعطا می شود و بر آن مبنا مسئولیت علتی از عهده متهم رفع و موجب فراغت او از مسئولیت قانونی می گردد، پیشگیری ناپذیری حادثه طبیعی است. به بیان دیگر هر حادثه غیر قابل پیش بینی معمولاً غیر قابل پیشگیری است چرا که تا انسان وقوع چنین حوادثی را پیش بینی نکند توان تمهید مقدمات لازم برای پیشگیری از آن را نخواهد داشت. البته پیشگیری ناپذیری حوادث تنها ناشی از غیر قابل پیش بینی بودن آن ها نیست، بلکه گاهی با وجود آن که حادثه ای قابل پیش بینی است ولی غیر قابل پیشگیری است. در هر دو فرض، اصولاً مسئولیت کیفری قطع می گردد. اما «اگر رویداد، به هنگامی که پیش می آید گریز ناپذیر باشد ولی شرایط نشان دهنده آن باشد که اگر پیش بینی می شد، این امکان وجود داشت که از آن پیشگیری شود دیگر درست نخواهد بود که برای آن رویداد اثر معاف کننده قائل باشیم».<sup>۶۰</sup> و برعکس «هنگامی که روشن باشد که هیچ تدبیری نمی توانست از پیش آمدن رویداد یا پیامدهای آن جلوگیری کند، برای شکل گرفتن قوه قاهره کافی است»<sup>۶۱</sup> و مسئولیت را از عهده عامل انسانی نخستین بر می دارد.

۶۰- ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۲، ص ۲۳۱.

۶۱- همان، ص ۲۳۲.

ویلیام ویلسون معتقد است، اصولاً متهم نسبت به صدمات قابل پیش‌بینی ناشی از اعمال خود مسئولیت کیفری دارد و همچنین او نسبت به نتایج غیر قابل پیش‌بینی اعمالش مشروط به آنکه آن نتایج در زمره نتایج و تبعات طبیعی خطر ایجاد شده در اثر رفتارش بوده باشند، مسئول می‌باشد. وی همچنین می‌گوید: «وجه دیگر این اصل که متهم فقط نسبت به آن دسته از نتایج پیش‌بینی نشده‌ای که در زمره تبعات طبیعی عمل او محسوب می‌شوند، مسئول است که او نسبت به نتایج و یا حوادث غیر متعارف مسئول نمی‌باشد.»<sup>۶۲</sup> از جمله این حوادث سیل، زلزله و طوفان قابل ذکر هستند. ماده ۳۴۳ ق.م.ا. در این باره آورده است: «هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق<sup>۶۳</sup> حادث شود و موجب آسیب یا خسارت گردد هیچ کس ضامن نیست گرچه تمکن برطرف کردن آن‌ها را داشته باشد...»

با بررسی تطبیقی رویه قضایی درباره این موضوع، بیشتر به اهمیت عنصر قابلیت پیش‌بینی در قضاوت علیتی و معرفی علت قانونی پی می‌بریم. در یک پرونده کیفری شخصی گاوی را خریداری کرده بود و آن را با ماشین به محل سکونتش برد و آن را به تیر چراغ برق بست. شخصی در مجاورت این گاو از اتومبیلی خارج گشت. گاو تحریک شد و به او حمله‌ور شد و او را کشت. دیوان عالی کشور در رأی صادره که اجمالاً بر برائت مالک گاو صادر گشته ضمن تأکید ویژه‌ای بر اهمیت عنصر قابلیت پیش‌بینی در قضاوت علیتی آورده است: «نظر به اینکه طبق ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی<sup>۶۴</sup> سهل‌انگاری و اهمال در نگهداری و اطلاع از خطر حمله و آسیب رساندن از شرایط اصلی تحقق ضمان و مسئولیت صاحب حیوان و نگهدارنده است و حسب مندرجات اوراق پرونده گاو خریداری شده از زمان انجام معامله تا انتقال به محل مورد نظر

62. William Wilson, op.cit., p112: "Another version of the principle that the defendant take responsibility only for those unforeseen consequences arising within the risk created by his unlawful act is that the defendant is not liable for consequences, or abnormal event.

۶۳- حوادثی که به نحو تسبیب موجب خسارت یا تلف انسان شوند، مصادیق این حوادث در ماده ۳۳۹ تا ۳۴۲ قانون مجازات اسلامی آمده است.

۶۴- ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی: «صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می‌داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل‌انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده‌دار می‌باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آن که آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده‌دار خسارتش نیست.

خریدار وضعیت عادی و معمولی داشته و بر فرض وجود حالت خطر حمله و آسیب رساندن دلیلی بر علم و آگاهی خریدار از وضعیت قبلی ارائه نشده و با توجه به اینکه بستن به تیر چراغ برق، عرفاً نگهداری متناسب با حالت مورد مشاهده محسوب می‌شود و اقدام متوفی به خروج از اتومبیل در شرایط منعکس در پرونده و تحریک گاو به حمله علت اصلی و سبب اقوی و مؤثر در وقوع حادثه بوده، از این جهت با توجه به محتویات پرونده قصوری از ناحیه تجدید نظر خواه مشهود نیست.<sup>۶۵</sup>

در یک دعوی آمریکایی<sup>۶۶</sup>، دادگاه کنتاکی<sup>۶۷</sup> چنین حکم داد که اگر شوهری همسر خود را در حالی که لباس‌های گرم نپوشیده، از منزل به بیرون، که محیطی پر از برف است، براند و آن خانم در اثر سرما بمیرد، هیئت منصفه می‌تواند مشروط به آنکه باقی ماندن قربانی در محیط برفی به اختیار خودش نبوده باشد، شوهر را مقصر به قتل غیر عمدی بدانند، چرا که وقوع صدمه با عنایت به اوضاع و احوال قابل پیش‌بینی بوده و شوهر از خطرات ناشی از سرما آگاه بوده است. در دعوی دیگری نیز چنین رأی داده شده که عملکرد طبیعی امواج دریا و جریان مد که منتهی به بردن به کام دریا و مرگ مردی که در اثر ضربات متهم بیهوش در کنار ساحل رها شده بود گردید، رابطه علیت بین ضرب و جرح با مرگ را قطع نمی‌کند، چرا که مد اتفاقی خارق العاده نبوده و یک اتفاق عادی است.<sup>۶۸</sup> یکی از مبانی موجهه آراء اخیر عدم قابلیت پیش‌بینی حمله گاو در دعوی نخست و قابلیت پیش‌بینی صدمه در دعاوی اخیر می‌باشد.

از لحاظ نظری در صورتی که مداخله حادثه طبیعی یا عوامل حیوانی و همچنین بیماری‌ها امری قابل پیش‌بینی و ناشی از ذات عمل متهم یا شرایط پیرامونی آن بوده باشد چنین واقعه‌ای قابل پیش‌بینی بوده و رابطه علیت را قطع نمی‌کند. ما چنین حادثه مداخله گری را وابسته به عمل متهم دانسته و آن را قاطع زنجیره علیت نمی‌دانیم. اما هرگاه دخالت حوادث طبیعی، ابتلا

۶۵. رأی شماره ۸۹۷-۱۳۷۱/۱۲/۱۷، شعبه ۲۰ دیوان عالی کشور، به نقل از سید محمد رضا حسینی، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، چاپ دوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۵، ص. ۲۱۵.

66. Hendrickson v. Commonwealth, (1887), in : Hart and Honore, op.cit., p.340

67. Kentucky Court

68. R.V. Hallet (1969), in Ibid. pp.341, 390.

به یک بیماری یا حمله یک حیوان امری غیر مترقبه<sup>۶۹</sup>، خارق العاده<sup>۷۰</sup> و مستقل از عمل متهم بوده باشد به دلایلی از جمله عدم قابلیت پیش بینی، دخالت علی چنین حادثه ای رابطه علیت در حال نضج میان عمل متهم و صدمه نهایی را قطع می کند. چنین حادثه ای را می توان یک اتفاق مستقل غیر قابل پیش بینی<sup>۷۱</sup> نامید.

در همین راستا در موادی از قانون مجازات اسلامی، که ظاهراً ناظر به خسارت مالی هستند به جایگاه نقش و قابلیت پیش بینی زیان در ضمان و مسئولیت تأکید گردیده است. براساس این موارد حوادث طبیعی قابل پیش بینی و یا پیش بینی شده مستقل از عمل متهم قاطع زنجیره علیت نمی باشند و برعکس حوادث غیر قابل پیش بینی یا پیش بینی نشده رافع مسئولیت علیتی او هستند. به عنوان نمونه ماده ۳۴۹ این قانون مقرر می دارد: «هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حوادث پیش بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده دار خسارت نمی باشد...». می بینیم که رفع مسئولیت از مالک منوط به دو شرط است. اول؛ دیوار پایه محکم داشته باشد. دوم؛ حادثه پیش بینی نشده باشد. هردو شرط واجد ابهام و ابهام هستند. زیرا اولاً معیار محکم بودن ساختمان و بنا را در رفع مسئولیت دخیل دانسته است، پس مفهوم مخالف این امر را تداعی می کند که اگر بنا فاقد استحکام باشد مالک مسئولیت دارد. شرط دوم نیز از این جهت که معیاری ذهنی را برگزیده موجب طرح این سؤال می شود که اگر حادثه قابل پیش بینی باشد متهم مسئولیت دارد یا نه؟ خصوصاً این که معیار عرفی و نوعی را مورد توجه قرار نداده و یا قید عبارت «... در اثر حوادث پیش بینی نشده...»، صرفاً به ذهنیت و آگاهی مالک از خطرات آتی و نه پیش بینی شخص معقول، به عنوان معیار پیش بینی توجه کرده است.

به عکس، ماده ۳۵۳، قلمرو مسئولیت کسی را که در ملک خود مبادرت به روشن کردن آتش نموده، نسبت به سرایت و گسترش آتش به املاک دیگران و ایجاد تلف یا خسارت گسترش داده و حتی پیش بینی پذیری عرفی را کافی و همسنگ پیش بینی شخصی دانسته و مقرر داشته

69.unexpected

70.extraordinary

71. unforeseeable and independent coincidence

است: « هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز روشن کرده باشد». به بیان دیگر مثلاً اگر کسی در گوشه مزرعه خود در فصل درو آتشی روشن کند و بدون آنکه احتمال سرایت آن به ملک مجاور را بدهد، بر اثر وزش باد مزرعه دچار حریق شود و کسی را به قتل رساند از لحاظ کیفری مسئول است. زیرا عادتاً روشن کردن آتش در مزارع درحال درو، کاری خطرناک است و عرفاً قابل پیش‌بینی است که آتش به سایر املاک هم گسترش یابد.

تقریباً حکم ماده ۳۵۳ در ماده ۳۵۲ نیز آمده است. این ماده مقرر می‌دارد: « هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زاید بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا خسارت شود ضامن نخواهد بود». آقای دکتر کاتوزیان<sup>۷۳</sup> عقیده دارد مطابق قانون مجازات اسلامی، در صدمات و ضررهای غیر مستقیم قابلیت پیش‌بینی ضرر باید احراز شود. اما در صدمات مستقیم چنین قابلیت شرط مسئولیت نیست<sup>۷۴</sup>. در پایان این بحث به چند نمونه واقعی از دخالت حیوانات در وقوع صدمات اشاره می‌شود.

۷۲- در مواد دیگری از قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی به پیش‌بینی‌پذیری وقوع صدمه و اهمیت آن توجه شده است که ذیل ذکر می‌شوند: ماده ۳۳۳ قانون مدنی «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خسارتی است که از خراب شدن آن وارد شده، مشروط بر آنکه خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک، مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است». ماده ۳۴۷ ق. م. ا.: «هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی‌نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود، مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً سقوط کند». با لحاظ این ماده و ماده ۳۴۷ و ماده ۳۵۷ و همچنین ماده ۳۵۳ قانون مجازات اسلامی روشن می‌گردد که مقنن ضابطه پیش‌بینی نوعی را برای مسئولیت کیفری در صدمات غیر مستقیم کافی ندانسته و پیش‌بینی شخصی توسط متهم را در اولویت قرار داده است، چرا که تأکید زیادی "بر حوادث پیش‌بینی نشده" و نه "حوادث غیر قابل پیش‌بینی"، به عنوان حاجب‌های علی قاطع انتساب علی صدمات نهایی به عمل متهم، دارد. البته این تفسیر را می‌توان با مثال‌هایی که در همین مواد برای "حوادث پیش‌بینی نشده" ذکر گردیده‌اند، یعنی زلزله در ماده ۳۴۹ و سیل در ماده ۳۴۳، به چالش کشید که اینها حوادث پیش‌بینی نشده عرفاً غیر قابل پیش‌بینی هستند.

۷۳. رجوع کنید: کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۲۹.

۷۴- لازم به ذکر است که درموادی از قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی حتی در فرض غیر قابل پیش‌بینی بودن صدمه (اعم از مستقیم یا غیر مستقیم)، مسئولیت به جبران خسارت بر عهده شخص مستقر شده است از جمله ماده ۳۱۵ قانون مدنی در باب غصب، مسئولیت غاصب به جبران خسارات ناشی از تلف مال مغضوب را به طور

در سال ۱۳۸۳ نوجوانی در بستر رودخانه‌ای که در مجاورت روستای‌شان<sup>۷۵</sup> بود پرنده‌ای ناشناس را صید کرد و به منزل پدرش برد و در قفس قرار داد. این پرنده آن قدر جالب و عجیب و غریب بود که همسایگان و بستگان برای دیدن آن می‌آمدند. از جمله زنی ۴۵ ساله که به همین منظور به منزل آن‌ها آمده بود، در حالی که به قفس نزدیک و به چشمان پرنده خیره شده بود، آن چنان از ناحیه چشم راست مورد اصابت نوک پرنده قرار گرفت که به فوریت چشم او کور شد. اگر چه مصالحه محلی صورت گرفت و مشارالیها شکایت رسمی نکرد، اما به اعتقاد ما با وجود آنکه دستگیر کردن پرنده جرم علیه محیط زیست بود و علت حقیقی کور شدن چشم آن زن بود، ولی به دلیل غیر قابل پیش‌بینی بودن چنین پیامدی نمی‌توان آن نوجوان را علت قانونی صدمه شمرد. ضمن آنکه زیان‌دیده خود در نحوه عملکردش بی‌مبالاتی کرده بود. علاوه بر این در مثال فوق رفتار پرنده، واکنشی در مقابل اقدام خود قربانی بوده است، در چنین مواردی اصولاً متهم مسئولیت کیفری ندارد، همچنین هرگاه حیوان به نحو مستقل از قربانی و متهم عمل کرده باشد نیز کسی مسئولیت کیفری ندارد، در مورد حالت اخیر می‌توان به این مثال هارت و هانوره توجه داشت که: «متهم قربانی خود را در خیابان مشاهده کرد، سپس به قصد قتل او یک ضربه مشت به صورتش زد، قربانی تلوتلو خوران عقب رفت، ناگهان سگی که از پشت سر او در حال دویدن بود، به پاهایش اصابت کرد و موجب شد قربانی به زمین افتد و جملگه‌اش در اثر

مطلق آورده است: «غاصب مسئول هر نقص و عیبی است که در زمان تصرف او به مال مغضوب وارد شده باشد هر چند مستند به فعل او نباشد». ماده ۳۱۸ این قانون در فرض تعدد و توالی ایادی غصب، حق رجوع مالک را به هر کدام از غاصبین را صرف نظر از آنکه مالش نزد و یا در اثر فعل کدامیک از آنان تلف شده پیش‌بینی کرده است. ماده ۳۲۳ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود. می‌بینیم که شرط مسئولیت در صدمات مستقیم قابلیت پیش‌بینی آن نیست.

ماده ۳۲۲ قانون مجازات اسلامی: «هرگاه بيطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد در معالجه حیوانی هرچند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است.»

ماده ۳۱۹ ق.م.ا «هرگاه طبیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه‌های که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند هرچند با اذن مریض یا ولی او باشد باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است» در این ماده در فرضی که پزشکی دستور معالجه را صادر می‌کند بدون تردید خود وی مباشرت در درمان نمی‌کند و وقوع صدمه در این حال نمی‌تواند مستقیماً از فعل او ناشی شود. با این حال مقنن مسئولیت پزشک را مطلق دانسته است.

۷۵- مطالعه شخصی.

اصابت به سنگفرش شکست و کشته شد. عقیده ما بر این است که نمی‌توان متهم را مقصر به قتل عمدی دانست زیرا احتمال اینکه در آن زمان سگی از کنار مقتول رد شده به پاهایش اصابت کند و او را زمین بیندازد امری غیر قابل پیش بینی و صرفاً یک اتفاق بوده است.<sup>۷۶</sup> البته می‌توان متهم را به اتهام شروع به قتل عمدی محکوم کرد.

حکم حالات فوق در موردی که عملکرد حیوان واکنش طبیعی و قابل انتظاری به رفتار متهم بوده باشد صادق نیست، واکنش طبیعی عملکردی است که از حیوان با توجه به طبیعتش انتظار رود. مثلاً در دعوی انگلیسی هارلوت<sup>۷۷</sup> متهم نوزادی به دنیا آورد و به منظور از بین رفتن آن، او را توی باغ میوه روی زمین گذاشت و با برگ درختان او را پوشید پرنده‌ای شکاری<sup>۷۸</sup> (یک زغن)، با پنجه‌هایش آن قدر به نوزاد ضربه زد که مرد. دادگاه هارلوت را به مجازات قتل عمدی محکوم کرد. استدلال آن بود که آنچه متهم می‌خواست اتفاق افتاد و از طرفی حمله زغن قابل پیش‌بینی و مطابق با طبیعت آن بوده است. ماده ۳۶۲ ق.م.ا. نیز با حکم مشابهی گفته است: «هر گاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زننده عهده‌دار خسارت‌های وارده خواهد بود.»

#### بخش سوم: نقش قابلیت پیش‌بینی علت مداخله‌گر انسانی در تعیین علت قانونی

در بسیاری از پرونده‌های کیفری دیده می‌شود بعد از انجام فعل مجرمانه توسط یک شخص، کسان دیگری هم اعمال و رفتارهایی را انجام می‌دهند که در ایجاد صدمه جزایی نقش علی ایفا می‌کنند. در این مجال بر آن نیستیم که مجادلات و بحث‌های علیتی عمیقی در این خصوص ارائه کنیم و تنها منظور ما بررسی موضوع از زاویه تحلیل تأثیر مداخلات علی قابل پیش‌بینی در شناسایی علت قانونی صدمات جزایی است. لذا بحث را در چند فرض پی می‌گیریم.

76. Hart and Honore , op.cit., p348 .

77. Harlot (1560) cromption's justice, p.24, Sited in Ibid.

78. kite.

الف : مداخله غیر مجرمانه قابل پیش‌بینی<sup>۷۹</sup>

گاهی بعد از ارتکاب عمل مجرمانه متهم و قبل از حصول نتیجه، انسان یا انسانهای دیگر اعمالی انجام می‌دهند که از یک طرف مجاز، به عبارتی مطابق قوانین و مقررات و عرف و عادات اجتماعی و از طرف دیگر قابل پیش بینی هستند و با وجود این اوصاف، در حصول پیامد نهایی ایفای نقش علیتی می‌کنند به نحوی که اگر غایب باشند صدمه رخ نخواهد داد. به عنوان نمونه آتش نشانی برای اطفای حریق مبادرت به اقدامی کند که خود موجب گسترش آتش شود و یا پزشکی سعی در نجات قربانی کند ولی او در اثر عمل پزشکی فوت شود. در چنین مواردی قاعده کلی آن است که «... کمافی‌السابق، در صورتی که دخالت شخص دیگر به طور معقولی قابل پیش‌بینی و فی‌نفسه جایز بوده باشد، مسئولیت علیتی متهم استصحاب می‌گردد».<sup>۸۰</sup> البته لازم به ذکر است مادی‌گرایی قضاوت علیتی در حقوق کیفری ایران موجب شده در این مقوله رویه قضایی و رویکردهای نظری کاملاً متفاوتی با حقوق کیفری انگلستان که قضایای علی را بیشتر بر مبنای عنصر سرزنش‌پذیری حل و فصل می‌کنند، ابراز گردد.

یکی از مشهورترین مصادیق دخالت غیر مجرمانه و قابل پیش بینی پرونده میخائیل<sup>۸۱</sup> است. در این دعوی متهم قصد داشت طفل حرام‌زاده<sup>۸۲</sup> خود را که نزد یک دایه<sup>۸۳</sup> نگهداری می‌شد به قتل برساند. وی یک بطری حاوی سم به دایه داد و وانمود کرد جنبه درمانی دارد و آن را به بچه بخوراند. دایه، البته بدون آنکه علم به سمی بودن آن داشته باشد- از آن چنین استفاده‌ای نکرد و بطری را روی طاقچه اتاق خواب طفل گذاشت. چند روز بعد بچه پنج ساله دایه بطری را برداشت و مقداری از آن را به بچه میخائیل خورد و موجب مرگ وی شد. متهم به اتهام قتل عمدی

79. foreseeale and innocent intervention .

80. A.P.Simester and G.R.Sullivan, *Criminal Law Theory and Doctrine*, 2ed, Oxford-Portland Oregon, 2003, p.94 “... D will still be ascribed with causal responsibility if the contribution of the other party is both predictable (i.e. reasonably foreseeale) and itself innocent.”

81. Michael, 1840 , in: Ibid.

82. illegitimate child .

83. foster mother.

محکوم شد. استدلال دادگاه این بود که به دلالت اوضاع و احوال وقوع این حادثه قابل پیش بینی و منتظره بود<sup>۸۴</sup> و از سوی دیگر « اصولاً در قضاوت‌های علیتی دادگاه‌ها باید مسئولیت را بر عهده کسی بگذارند که از دیگران قابل سرزنش تر باشد و در این دعوی عقل سلیم می گوید میخائیل به عنوان کسی که آنچه می خواست بدست آورده،<sup>۸۵</sup> از سایرین قابل سرزنش تر است.»<sup>۸۶</sup> به بیان دیگر «باید بر کینه توز و بدخواه سخت گرفت و او را مسئول پیامدهای عملش دانست».<sup>۸۷</sup>

همان طور که گفته شد «در صورتیکه دخالت "عمل مداخله گر" <sup>۸۸</sup> به طور معقولی قابل پیش بینی باشد، متهم نخست نمی تواند از مسئولیت رهایی یابد، اما هرگاه عمل مداخله گر یک "علت مداخله گر غیر قابل پیش‌بینی" <sup>۸۹</sup> باشد، یک "علت جایگزین" <sup>۹۰</sup> محسوب و زنجیره علیت را قطع می‌کند.»<sup>۹۱</sup> گاهی مداخله قابل پیش بینی و غیر مجرمانه عوامل انسانی در جریان تکامل

84. Ibid.

85. got what she wanted.

86. William Wilson , op.cit, p.102.

۸۷. کاتوزیان، ناصر، پیشین، ص ۲۸۸.

۸۸. intervening act-، به عمل شخص ثالثی (دیگری) غیر از متهم اصلی گفته می‌شود که بعد از ارتکاب عمل مجرمانه متهم اولیه و قبل از حدوث و تحقق نتیجه مجرمانه انجام می‌گردد و موجب می‌شود صدمه جزایی رخ دهد. در چنین حالتی به آن علت مداخله گر intervening cause گفته می‌شود. مثلاً الف با گلوله به دیگری جرح کشنده ای وارد می‌کند و پس از آن و قبل از مرگ قربانی، ب گلوله دیگری به او شلیک می‌کند. عمل شلیک گلوله توسط ب یک عمل مداخله گر است، در صورتی که احراز شود در غیاب آن عمل، صدمه حادث نمی‌شد و به بیان بهتر صدمه در زمان و مکان و به کیفیتی که رخ داد واقع نمی‌شد به آن، علت مداخله گر جدید new intervening cause گفته می‌شود. برای مطالعه بیشتر ببینید: Jonathan Herring , op.cit , p.100

89. -unforeseeable intervening cause .

۹۰. superseding cause- به علت مستقل، واجد شرایط و غیر قابل پیش‌بینی مداخله‌گری گفته می‌شود که قاطع زنجیره علیت میان علت نخستین و صدمه نهایی بوده و موجب رفع مسئولیت کیفری نسبت به صدمه از عامل علت نخست و تحمیل آن بر عهده عامل خود می‌گردد. البته ممکن است علت جایگزین یک حادثه قهری باشد که در این فرض به طور کلی مسئولیت کیفری نسبت به صدمه منتفی است. برای مطالعه بیشتر ببینید:

Richard G.singer and John Q.la Fond. **Criminal Law**, 3ed. Aspen Publisher, New York, 2004.

, PP.128-130

91. Joshua Dressler, op.cit, p.204:" ...the defendant can not escape liability if the intervening act was reasonably foreseeable, whereas an unforeseeable intervening cause is superseding in nature..."

زنجیره علّی مجرمانه، جنبه واکنشی و بازتابی به اعمال و افعال مجرمانه متهم اول (عامل علت نخستین) دارد. بعضی نویسندگان چنین مواردی را تحت عنوان "علت مداخله گر واکنشی"<sup>۹۲</sup> و برخی دیگر زیر عنوان "علل مداخله گر وابسته"<sup>۹۳</sup> بررسی کردند که در مقابل هر دو دسته اخیر "علل مداخله گر اتفاقی"<sup>۹۴</sup> و یا علل مداخله گر مستقل قرار دارند.

یکی از نمونه‌های بارز علت مداخله گر واکنشی یا بازتابی پرونده اسکات علیه شپارد<sup>۹۵</sup> است. در این دعوی، متهم فشفشه روشنی را به داخل یک پاساژ تجاری پرتاب کرد. فشفشه در کنار T به زمین افتاد. T به منظور نجات خود آن را برداشت و به داخل انبار پاساژ پرت کرد، فشفشه در کنار R به زمین افتاد. R هم برای حفظ خود آن را برداشت و به گوشه‌ای دیگر انداخت، در نهایت فشفشه به محض برخورد به زمین در مجاورت P منفجر شد و چشم او را کور کرد. متهم به اتهام ایراد صدمه جسمانی شدید محکوم شد. اساس استدلال آن بود که عملکرد T و R وابسته به عمل متهم، تبعاً قابل پیش بینی و از طرفی اعمال موجهی بودند که در شرایط اضطراری انجام شده‌اند. در مقابل در دعوی مارتین<sup>۹۶</sup> متهم جرعه‌ای مشروب الکلی به طفل صغیر خود داد، پس از آن، به طور ناگهانی آن بچه شیشه مشروب را قاپید و آن را سرکشید و تمام مشروب را خورد که موجب مرگ وی شد. دادگاه عملکرد متهم را علت مرگ تشخیص نداد. در واقع منطق چنین رأیی غیر قابل پیش بینی بودن و وابسته نبودن عمل طفل به عمل متهم می‌باشد. در مقابل در پرونده دیگری که آن هم به نام مارتین است، مارتین (۱۸۸۱)<sup>۹۷</sup> متهم به قصد ایجاد رعب و

۹۲. responsive intervening cause به عللی اطلاق می‌شود که از تبعات اجتناب ناپذیر و طبیعی و یا قویاً محتمل اعمال متهم می‌باشد. برای مطالعه بیشتر ببینید: Ibid

۹۳. dependent intervening causes به علتی و عواملی گفته می‌شود که وابستگی طبیعی و قابل درکی با اعمال متهم اولیه دارند به طوریکه عرف و عقل سلیم تحقق آنها را پیش بینی می‌کنند. برای مطالعه بیشتر ببینید:

Richard G.Singer and John Q.La Fond ,op.cit.,p.125-126

۹۴. independent (or coincidental) intervening causes به علت مداخله گر جدیدی گفته می‌شود که وابستگی طبیعی و قابل پیش بینی ای با عمل متهم اولیه نداشته است و چنین عملی معمولاً زنجیره علّیت را قطع می‌کند. ببینید:

Joshual Dressler , op.cit,p.205

95. Scott v. Shepherd , (1773), Cited in :A.P.Simester and G.R.Sullivan , op.cit.,p.95

96. Martin (1827), Cited in ; Ibid ,p.94

97. Martin (1881), in: Ibid, p.95.

وحشت، در یک تالار نمایش، چراغ‌گازی روشنی را روی راه پله خروجی تالار گذاشت و یک میله آهنی جلوی درب خروجی قرار داد به نحوی که مانع باز شدن آن می‌شد. سپس مبادرت به تهدیدات خشونت بار به انفجار تالار کرد. ناگهان مردم حاضر سراسیمه و هیجان‌زده به سمت درب خروج شتافتند. چند نفر زیر دست و پای دیگران کشته و عده ای مجروح شدند. متهم به اتهام قتل عمدی محکوم شد. استدلال دادگاه آن بود که واکنش حضار، "نتیجه قابل پیش‌بینی و قابل درک"<sup>۹۸</sup> وحشت<sup>۹۹</sup> ایجاد شده توسط متهم بوده است.

یکی از پرونده‌های مشابه دعوی فوق، پرونده راجع به حادثه مورخ ۱۳۸۴/۱/۵ ورزشگاه آزادی تهران است که منتهی به مرگ هفت نفر از تماشاگران گردید. بر اساس شواهد پرونده، با پایان یافتن مسابقه فوتبال میان تیم ملی ایران و ژاپن که به پیروزی تیم ایران انجامید، تماشاگران به علت بسته بودن خروجی اصلی ورزشگاه ناچار شدند برای خروج از خروجی‌های فرعی استفاده نمایند. در نتیجه ازدحامی ایجاد شد که هفت کشته و چهل زخمی بر جای گذاشت.<sup>۱۰۰</sup> سخن گوی قوه قضائیه علل حادثه را «نبود مدیریت متمرکز از ابتدا تا انتهای مسابقه، قرار دادن هلیکوپتر نیروی انتظامی در محل درب خروج اصلی و شصت متری ورزشگاه و ایجاد حصار ۶۴ متری برای حفاظت از آن که در پی آن تماشاگران ناگزیر به خروج از درب فرعی هفت متری شدند و همچنین ورود بیش از حد تماشاگران»<sup>۱۰۱</sup> اعلام کرد. نهایتاً مسئولان سازمان تربیت بدنی و نیروهای انتظامی مستقر در فرودگاه تحت تعقیب قرار گرفتند. سازمان پزشکی قانونی علت مرگ قربانیان را نارسایی تنفسی و فشار به قفسه سینه اعلام نمود.<sup>۱۰۲</sup> کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نیز عوامل زیر را به عنوان علل حادثه اعلام کرد: ایجاد حصار ۶۴ متری که برای حراست از هلیکوپتر نیروی انتظامی در مسیر خروجی غربی و اصلی فرودگاه نصب شده بود که در مجموع مانع خروج آسان تماشاگران و موجب هدایت آن‌ها به سمت درب فرعی هفت متری (محل ازدحام جمعیت و وقوع حادثه) گردید. اصرار مسئولین ورزشگاه در

98. foreseeable and understandable consequence

99 . panic

100 . www. BBC Persian .com.2005/مارس/28

101 . Ibid, 2005/آوریل/5.

۱۰۲ - پایگاه اینترنتی استودیو shott4 .

خروج سریع تماشاگران، تاریکی محل وقوع حادثه و وجود یک پله چهل سانتی در مسیر خروج سریع تماشاگران.<sup>۱۰۳</sup>

پرونده امر برای تحقیق به شعبه اول بازپرسی دادسرای جرایم پزشکی و دارویی ارجاع گردید. پس از تحقیقات مفصل، کارشناسان مختلف پنجاه درصد علت حادثه را به نیروی انتظامی و پنجاه درصد به مسئولان سازمان تربیت بدنی نسبت دادند.<sup>۱۰۴</sup> بر همین اساس کیفر خواست علیه دو تن از مسئولان هر دو سازمان یعنی مدیر ورزشگاه و فرمانده یگان انتظامی ویژه میدان آزادی صادر و پرونده به شعبه ۱۰۴۲ دادگاه جزایی تهران برای رسیدگی و محاکمه ارجاع گردید.<sup>۱۰۵</sup> نهایتاً این دادگاه اعمال و ترک اعمال هر دو متهم را به عنوان علت حادثه اعلام و از آنجا که پرداخت دیه مقتولین قبلاً توسط دولت تأمین اعتبار شده بود، تنها آن‌ها را از جنبه عمومی قتل عمدی به حبس تعلیقی و محرومیت از مشاغل مدیریتی محکوم کرد، که پرونده در راستای تجدید نظرخواهی هر دو طرف دعوی به شعبه ۲۰ دادگاه تجدید نظر تهران ارجاع گردید. این دادگاه ضمن تخفیف میزان مجازات مندرج در احکام بدوی، و بدون استدلال علیتی خاصی حکم بدوی را تأیید نمود.<sup>۱۰۶</sup>

آنچه که از جزئیات این پرونده مهم به بحث فعلی ما ارتباط دارد، موضوع قابل پیش بینی بودن چنین حادثه زیان‌باری است. برای قضاوت در این پرونده علاوه بر علل مادی مذکور، آنچه که از اهمیت برخوردار است، نقش تماشاگرانی است که یقیناً در اثر هیجانات ناشی از پیروزی تیم ملی ایران به وجد آمده بودند و همین می‌توانست بر ایجاد ازدحام و تراکم جمعیت در درب خروجی فرعی بیفزاید. اما مهمترین علت که عرف بدون تأویل آن را علت قابل سرزنش

۱۰۳. روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۱، صفحه ورزش.

۱۰۴. سایت خبرگزاری آفتاب ۱۳۸۴/مهر/۱۲.

۱۰۵. لازم به ذکر است که مسئولان سازمان تربیت بدنی تنها علت وقوع حادثه را استقرار هلیکوپتر نیروی انتظامی در جلوی درب خروج اصلی و ایجاد حصار ۶۴ متری برای حفاظت آن توسط عوامل انتظامی مسئول اعلام و عواملی از قبیل نبود نور کافی در درب فرعی و وجود پله ۴۰ سانتی رابی تأثیر تلقی نموده و اعلام کردند که از ۲۴ ساعت قبل از مسابقه براساس مصوبه کمیسیون ورزشی شورای تأمین استان تهران مسئولیت کلیه درب‌های ورودی و خروجی و کنترل تماشاچیان بر عهده مسئولین نیروی انتظامی بوده است. برای ملاحظه گزارش گروه تحقیق سازمان تربیت بدنی به پایگاه خبری-تحلیلی دانشجویان ایران «شریف نیوز» مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۱ مراجعه نمایید.

۱۰۶. سایت بازتاب، بازدید ۱۳۸۵/۱/۲۴.

می‌شناسد فرود و استقرار هلیکوپتر نیروی انتظامی در جلوی درب خروجی شصت متری فرودگاه و ایجاد حصار نرده‌ای به طول ۶۴ متر برای صیانت آن از هجمه‌های احتمالی تماشاگران بود، که این امر موجب هدایت جمعیت در حال خروج به درب باریک هفت متری گردید. قابل پیش‌بینی است که در چنان فضای ملتهبی که جمعیت بالغ بر بیش از صد هزار تماشاچی حضور داشت، امکان خروج این جمعیت عظیم از درب فرعی وجود ندارد. اگر چه استقرار هلیکوپتر مستقیماً علت مرگ نبود و علت مستقیم مرگ لگدکوب شدن و خفه شدن قربانیان زیر دست و پا و در لابه‌لای جمعیت متراکم و انبوه بوده است، اما این علت مستقیم، پیامد قابل پیش‌بینی و طبیعی بسته شدن درب اصلی خروج و ایجاد حائل ۶۴ متری حافظ هلیکوپتر می باشد و کسانی که قربانیان زیر دست و پاهایشان خفه شدند، علل مداخله گر وابسته قابل پیش‌بینی‌ای بودند که به هیچ‌وجه نمی‌توان آن‌ها را از لحاظ کیفری در زمره علل قانونی و مسئول شمرد. اما به فرض آنکه در یک مسابقه ورزشی تماشاگری از خوشحالی ناشی از موفقیت تیم محبوبش یا از شدت ناراحتی ناشی از باخت تیم مورد علاقه‌اش دچار هیجان و سگته شود و بمیرد، چنین پیامد غیر مستقیمی یک علت مداخله‌گر مستقل غیر قابل پیش‌بینی است که به هیچ‌وجه نمی‌تواند به رفتار و کردار بازیکنان ارتباط داشته باشد.

آخرین پرونده‌ای که وقایع آن با موضوع تحت بررسی ارتباط زیادی دارد دعوی آمریکایی مردم علیه کیب<sup>۱۰۷</sup> است: مطابق این دعوی در شامگاه یک شب زمستانی سرد، در حوالی نیویورک، متهمین قربانی نزدیک بین و شدیداً مست<sup>۱۰۸</sup> را ربودند و اموال او از جمله عینکش را با توسل به زور و خشونت سرقت کردند. در حالی که آن شب برف سنگینی باریده بود، آن‌ها قربانی را در حاشیه جاده‌ای که اطراف آن مملو از توده‌های برف بود رها کردند. او که قادر نبود اطراف خود را ببیند در وسط شاهراه سرگردان بود. ناگهان کامیونی که سرعت بسیار زیادی داشت قربانی را زیر گرفت و موجب مرگ او شد. سارقین شناسایی و محاکمه شدند و در محاکمه اظهار داشتند که آنان علت مرگ قربانی نیستند.

107. People V.Kibbe (1974) Cited in: Richard G.Singer and John Q.la Fond, op.cit., p.127.

108. nearsighted and very intoxicated victim.

آن‌ها این‌طور استدلال کردند که عمل راننده کامیون در رانندگی بی پروایانه با سرعت غیر مجاز یک "علت اتفاقی مستقل"<sup>۱۰۹</sup> و قاطع زنجیره علیت بین عمل آن‌ها در رها کردن قربانی و مرگ بوده است.

لازم به ذکر است که در مرجع علمی دیگری<sup>۱۱۰</sup> آمده است که در این دعوی، سارقین حتی کفش‌های قربانی و شلوار او را هم ربودند. دادگاه بدوی در حکم محکومیت متهمین مبنی بر قتل عمدی چنین استدلال کرد که: «... اگر چه متوفی در اثر تصادم کامیون کشته شد اما عمل سارقین تنها علتی است که با لحاظ و اعمال معیارهای حقوق کیفری، به عنوان علت مجاور صدمه شناخته می‌شود چرا که... در واقع می‌توان گفت صدمه نهایی در این پرونده، چیزی بوده است که به نحو معقولی قابل پیش‌بینی بوده و پیامد قابل انتظار اعمال آن‌ها بوده است».<sup>۱۱۱</sup> دادگاه استیناف نیویورک<sup>۱۱۲</sup> با استدلال زیر تقاضای استیناف متهمین را مردود اعلام کرد: «... متهمین در ارتکاب سرقت مسلحانه و رها کردن قربانی مست و ناتوان خود، در این شرایط خشن و مخوف، می‌توانستند پیش‌بینی کنند که او برای استمداد به وسط جاده خواهد رفت، مخصوصاً از آن جهت که او به سختی قادر به دیدن و راه رفتن بود».<sup>۱۱۳</sup> بر این اساس مرگ قربانی ناشی از یک شیوه ویژه ای<sup>۱۱۴</sup> که ارتباط معقولی با کردار متهمین دارد، تلقی گردید. براساس این رای تنها مثلاً اگر قربانی بر اثر اصابت یک شهاب سنگ کشته می‌شد می‌توانستیم بگوییم رابطه علیت بین عمل سارقین و چنین مرگی برقرار نمی‌گشت.

در مقام مقایسه نظام کیفری ایرانی با نظام انگلیسی- آمریکایی، به روشنی می‌بینیم که انعطاف قضاوت‌های علیتی در نظام اخیر بسیار بیشتر از نظام ایرانی است. علیت در نظام کیفری

109. independent supervening cause.

110. Sanford H.Kadish and Stephen J.Schulhofer, op.cit., p.522.

111. Ibid.

112. The New York Court of Appeal

113. Richard G.Singer and John Q. La Fond, op.cit,p.128: " It concluded that the defendants, in committing armed robbery and , leaving their intoxicated victim in these harsh and perilous conditions , could anticipate that he would seek help by moving on to the road, especially because he had trouble seeing and walking.."

114. particular manner

ایرانی از نوعی مادی گرائی رنج می برد. به عنوان نمونه اگر پرونده اخیر در دادگاه های ایرانی مطرح می شد، بدون تردید، عمل راننده کامیون که با سرعت غیر مجاز در حال رانندگی بود علت مستقل و قانونی قتل قربانی تلقی و مرگ او فارغ از هرگونه انتساب علی به عمل سارقین توصیف می گشت. لازم به ذکر است که عرف ما در خیلی از موارد در مقایسه با دادگاه ها درک روشنتری از قضاوت های علیتی دارند. و اگر چنین اتفاقی در جامعه ایرانی رخ دهد، مردم سارقین را قاتل و یا حداقل مسئول می دانند. نگارنده به مناسبت بارها از چنین موضعی انتقاد کرده و عقیده دارد، احکام حقوق کیفری و آرای دادگاه ها باید همسو با افکار عمومی هیئت اجتماع باشد تا مثرثمر واقع و در اصلاح امور اجتماع مؤثر افتد. یکی از دلایل مهم انفصال میان قضاوت های کیفری با قضاوت های عرفی در باب علیت، فقدان روحیه اجتهاد و آوردن نظریه های جدید در قلمرو رویه قضایی ایران است. زیرا دادگاه ها اکثراً در این مسأله تابع فقه هستند. با این حال نگارنده عقیده دارد از باب سبب و مباشر هم می توان سارقین را در مثال فوق قاتل توصیف کرد.

#### ب : مداخله مجرمانه و قابل پیش بینی<sup>۱۱۵</sup>

از مجموع بحث پیشین به این نتیجه رسیدیم که معمولاً هرگاه دخالت عامل انسانی هم قابل پیش بینی و هم غیر مجرمانه باشد، معمولاً برای قطع رابطه علیت میان عمل متهم نخستین با پیامد نهایی کفایت نمی کند. در این مجال می خواهیم به این ابهام پاسخ دهیم که اگر دخالت یک عامل انسانی قابل پیش بینی بوده با این حال او به شکل مجرمانه ای عمل کرده باشد تکلیف چیست؟ اگر احراز شود که وجود هر دو علت، شرط ضروری یا علت حقیقی پیامد بوده است چه کسی از لحاظ علیتی، علت قانونی صدمه خواهد بود. پاسخ به این مسأله کمی دشوارتر از بحث پیشین است، دلیل آن هم اهمیتی است که در حقوق کیفری به اصل استقلال فردی و فرض مختاریت انسان ها داده می شود. فرض حقوق کیفری بر آن استوار است که هرگاه دو یا چند انسان عمداً صدمه ای به جان یا مال دیگری وارد نمایند هر کدام نسبت به صدمه ناشی از عمل خود مسئولیت کیفری دارند. به عبارت دیگر از آنجا که هر انسان متعارف و معقول واجد آزادی اراده می باشد، «... معمولاً اعمال یک انسان معلول اعمال و افعال دیگر انسان ها تلقی نخواهند

115. foreseeable and intentional intervention

شد، به همین جهت حکم صریح علم حقوق آن است که یک متهم نسبت به اعمال خود مسئول بوده و معمولاً نسبت به اعمال خطاکارانه دیگران، هرچند که قابل پیش‌بینی هم باشند، و بدون همراهی با اعمال او منجر به صدمه نگردند، مسئولیت ندارد.<sup>۱۱۶</sup>

بر این اساس و برخلاف نتیجه بحث در موضوع مداخله قابل پیش‌بینی غیر مجرمانه، هرگاه دخالت شخص دیگری محرز و مسلم هم باشد، این امر نه بر مسئولیت شخص اول می‌افزاید و نه از مسئولیت شخص اخیر می‌کاهد. به بیان دیگر فرض اولیه آن است که متهم اول نسبت به نتایج اعمال خود و متهم دخیل هم نسبت به تبعات دخالت خود مسئول است. با این حال هرگاه دخالت شخص ثالث رابطه علیت را با فعل متهم نخست قطع کند رابطه علیت قطع گشته و تنها شخص دخیل نسبت به صدمه مسئولیت علیتی خواهد داشت حتی اگر با توجه به اوضاع و احوال چنین دخالتی قابل پیش‌بینی باشد.

نمونه بارز این مسأله حکم ماده ۲۱۶ قانون مجازات اسلامی در قتل عمدی است. در این ماده دخالت علی شخص ثانی چون مانع قوایم زنجیره علی در حال نضج میان عمل شخص اول با مرگ می‌گردد، حتی اگر قابل پیش‌بینی و در اثنای یک نزاع طراحی شده باشد، رابطه علیت را قطع می‌کند و تنها شخص دوم قاتل قلمداد می‌گردد. با این وجود، حکم مثال در حقوق انگلستان با ایران متفاوت است و در نظام نخست اگر چنین واقعه‌ای رخ دهد تنها در صورتی حکمش مشابه حقوق ایرانی است که نتوان طرفین را شریک و یا همدست توصیف کرد. به بیان دیگر اگر طرف اول و متهم ثانوی هر کدام مستقلاً عمل کرده و مرگ در اثر عمل شخص ثانوی رخ دهد، قاتل همان شخص دوم است هرچند عمل اولی قابلیت علی لازم برای حدوث مرگ را داشته باشد. اما در فرض آنکه طرفین با تبانی و یا سبق تصمیم عازم صحنه و ارتکاب جرم شده باشند، اگر چه شخص ثانی مباشر قتل است ولی شخص اول طرف ثانوی آن بوده و مسئولیت قتل عمدی را برعهده خواهد داشت. دلیل آن این است که برخلاف حقوق ایران که در بحث شرکت و معاونت

116. P.Simester and G.R.Sullivan ,op.cit,p.95: A person's action are not usually regarded as caused by others, and the Law stipulates that a defendant is responsible for her own actions but is normally not responsible for the wrong doing of a third party even it was foreseeable ,and would not have occurred but for the defendant's contribution.

احراز علیت عمل معاون و شریک، شرط مسئولیت او نسبت به نتیجه مجرمانه است، در حقوق انگلستان جز در باب "تسهیل وقوع جرم"، علیت شرط مسئولیت مجرم ثانوی نمی‌باشد. به بیان دیگر در حقوق انگلستان «همدست‌های مجرم اصلی نسبت به عنصر مادی جرم مسئولند، اما آن‌ها از نظر حقوقی علت آن به شمار نمی‌روند، چرا که اگر بودند، آن‌ها مباشران جرم محسوب می‌شدند»<sup>۱۱۷</sup> و نه همدست.

به عنوان خلاصه لازم به ذکر است که مداخله آزادانه، عمدی و آگاهانه شخص ثانوی، مشروط به آنکه توأم با مواضعه با شخص اول نبوده و به قصد تحقق پیامد (صدمه) یا با بی‌پروایی نسبت به رخداد آن انجام شده باشد، معمولاً اگر رابطه علیت مادی را قطع کرده باشد فاعل نخست را از مسئولیت کیفری مبری می‌کند.

117. Ibid. p.101: " ... Accessories are held to be responsible for the actus reus, but they do not in Low cause it, for if they did, they do would be principals".

## نتیجه گیری

مجموعاً در این مقاله به نتایج زیر دست یافتیم: اولاً یکی از مهم ترین عناصر رابطه علیت کیفری عنصر قابلیت پیش بینی صدمه است. ثانياً اهمیت این عنصر در حل و فصل مجادلات علیتی زمانی بیشتر می شود که صدمه واقع شده با عمل منتسب به متهم رابطه مستقیم نداشته باشد. در چنین حالتی معمولاً اگر صدمه قابل پیش بینی باشد یا اینکه هرچند غیر قابل پیش بینی بوده ولی عملاً توسط متهم پیش بینی شده باشد متهم نسبت به آن مسئولیت نخواهد داشت. با این وجود در مورد صدمات مستقیم همواره مسئولیت و البته لزوماً نه نوع کیفری آن برقرار می گردد. در باب علل مداخله گر طبیعی و انسانی نیز به این نتیجه رسیدیم که هرگاه دخالت چنین علتی نتیجه طبیعی و متعارف عمل ابتدایی متهم باشد موجب مسئولیت متهم خواهد بود ، به چنین علتی علت مداخله گر وابسته گفته می شود. اما هرگاه دخالت علت دخیل مستقل از رفتار ابتدایی متهم بوده باشد و از سویی غیر قابل پیش بینی هم باشد علت دخیل رابطه علیت را قطع می کند، به چنین علتی علت مداخله گر مستقل گفته می شود.

## فهرست منابع

## ۱. فارسی

۱. حسینی، سیدمحمد رضا، قانون مجازات اسلامی در رویه قضایی، چاپ دوم، مجمع علمی و فرهنگی مجد، تهران، ۱۳۸۵.
۲. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه مجید ادیب، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲.
۳. عبدالهی، اسماعیل، مسئولیت کیفری بدون تقصیر در حقوق کیفری ایران و انگلستان، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، کتابخانه دانشکده حقوق، ۱۳۸۵.
۴. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، چاپ اول، انتشارات هرمس، تهران، ۱۳۸۳.
۵. کاپلستون، فردریک، تاریخ فلسفه، جلد پنجم، ترجمه امیرجلال الدین اعلم، چاپ چهارم، انتشارات سروش، ۱۳۸۲.
۶. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری)، جلد دوم از دوره دو جلدی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
۷. کلارکسون، سی‌ام‌وی، تحلیل مبانی حقوق جزا، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، انتشارات جهاد دانشگاهی، شهید بهشتی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۴.
۸. لفو، واین آر، سببیت در نظام کیفری ایالات متحده آمریکا، بخشی از کتاب Criminal law، ترجمه حسین، آقای نی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۳.
۹. محمدی، ابوالحسن، قواعد فقه، چاپ دوم، موسسه نشریلا، تهران، ۱۳۷۴.

## ب: لاتین

10. Aqvist, Lennart and Mullock, Philip, *Causing Harm*, Walter de Gruyter, New York, 1989.

11. Allen , Michael J. *Textbook On Criminal Law* , 7ed , Oxford University Press, 2003.
12. Ashworth, Andrew, *Principles Of Criminal Law*, 2Ed, Oxford University Press , 1992 .
13. Charles R.Skip, Watson, Jr.P, *proof of causation* , 18TH annual advanced civil appellate practice course in Texas Law Review , published in Texas by State bar of Texas ,2004
14. Elliott Catherine and Quinn Frances, *Criminal Law*, 4ed. Longman Publisher, London, 2002.
15. Garner, Bryan A. *Black's law Dictionary*, 8ed, Thomson Business, U.S.A. 2004.
16. Hart, H,L,A & Honore , Tony, *Causation in The Law* ,2ed,Oxford University Press,reprinted,2002.
17. Herring, Jonathan. *Criminal Law, Text, Cases and Materials*, 1ed. Oxford University Press, 2004.
18. Kadish, Sanford H. And Schulhofer, Stephen J. *Criminal Law And Its Processes , Cases and Materials*, Aspen Publishers,7ed , New York , 2001.
19. Mackie, J.L. *The Cement of the Universe, a Study of Causation*, Oxford at the Clarendon Press, London, reprinted, 2002.
20. Singer, Richard G. and La Fond, John Q. *Criminal Law*, 3ed. Aspen Publisher, New York, 2004.

21. Simester A.P. and Sullivan, *Criminal Law Theory and Doctrine*, 2ed, Oxford-Portland Oregon, 2003.
22. Ozonoff, David, *Legal Causation and Responsibility for Causing Harm*, in: American Journal of Public Health, vol.95, No.s1, 2005.
23. Wilson, William, *Criminal Law Doctrine and Theory*, 2ed, Longman Publisher, London, 1998